کار

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۷۰
۱۲ ژوئن ۱۹۹۱ دوره سوم شماره ۱۰

اجلاس اوپک: تثبیت موقت سقف تولید

کشورهای عضو سازمان کشورهای تولید کننده نفت (اوپک) در وین پایتخت اتریش تشکیل اجلاس دادند. کشورهای عضو اوپک در این اجلاس توافق کردند برای مقابله با کاهش قیمت نفت که قیمت رسمی آن به هر بشکه ۱۸ دلار کاهش پیدا کرده است، میزان تولید فعلی خود را در ۳ ماه آتی افزایش ندهند. با شروع بحران خلیج فارس کشورهای عضو اوپک تولید نفت خود را خودسرانه افزایش دادند. در خلال جنگ تولید بی‌رویه نفت باعث کاهش محسوسی در قیمت نفت شد. میزان تولید فعلی کشورهای عضواوپک با میزان

بقیه در صفحه ۲

لبنان: شدیدترین حمله هوایی اسرائیل از سال ۸۲

روز سه‌شنبه ۱۴ خرداد جنگنده‌های اسرائیلی برای دومین بار ظرف ۲۴ ساعت به جنوب لبنان حمله کردند. بمانه این حمله حضور نیروهای فلسطینی در این منطقه بود اما وزیر خارجه اسرائیل در پاسخ به پرسشهایی در مورد حمله هفته گذشته گفت اسرائیل "بانگرانی" روند سلطه یافتن سوریه بر لبنان دنبال می‌کند.

در حمله روز ۱۴ خرداد حداقل هفت تن کشته و بیش از ۳۵ نفر مجروح شدند. در میان کشته‌شدگان چهار کودک کوچکتر از ۶ سال دیده می‌شوند.

مقامات لبنانی گفته‌اند حمله

بقیه در صفحه ۹

تعرض رفسنجانی و مقاومت تندروها ادامه دارد

** خامنه‌ای ضمن حمایت مجدد از رفسنجانی، پیشبرد سیاست خارجی وی را عملا با مشکل مواجه کرد*

** اقدامات سرکوبگرانه علیه تندروها رو به گسترش است*

** محمدیزدی: اخلالگران در سیاستهای دولت محاکمه خواهند شد*

بحران سیاسی حکومت اسلامی که پس از سخنرانی جنجالی هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه دو هفته پیش نمود آشکارتری یافت، ادامه دار دو جناحها و باندهای حاکم را به مقابله و رو در رویی خشن‌تری با یکدیگر واداشته است. رفسنجانی در نماز جمعه ۴ خرداد به مخالفین تندرو خود در حکومت به نحوی بیسابقه حمله کرد و آنها را عامل اجرانشدن برنامه‌های خود و اجرای نقشه‌های امریکا معرفی کرد. بدنبال این سخنرانی حرکت گسترده‌ای در جهت پشتیبانی از سخنان رفسنجانی سازمان داده شد و نهادها، ارگانها و شخصیتهای وابسته به جناح مسلط با انتشار بیانیه‌ها و ارسال تلگرامهای پشتیبانی، جناح تندرو را تحت فشار فزاینده‌ای قرار دادند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز در پیامی که بمناسبت دومین سالگرد مرگ خمینی منتشر کرد به این حرکت پیوست. او در پیام خود با صراحت از رفسنجانی پشتیبانی کرد و او را یکی از چهره‌های برجسته جمهوری اسلامی و کسی که ۳۰ سال در این راه مبارزه کرده معرفی نمود. خامنه‌ای در این پیام خاطر نشان ساخت که کلیه تصمیمهای دولت رفسنجانی با اطلاع و موافقت او صورت می‌گیرد و بار دیگر همگان را به پشتیبانی از دولت او فراخواند. این پیام بیانگر اتحاد خامنه‌ای – رفسنجانی در جنگ قدرتی است که با شدت تمام در میان جناحهای حکومتی ادامه دارد. خامنه‌ای در این جنگ تاکنون همواره – و در مواقع بحرانی با صراحت – جانب رفسنجانی را گرفته و از او در برابر جناح رقیب دفاع کرده است.

اما پیام خامنه‌ای به نکته اساسی مورد نظر رفسنجانی پاسخی مورد قبول نداد. در حالیکه رفسنجانی در سخنرانی سوم خرداد خود نه تنها جناح تندرو، بلکه بطور غیرمستقیم خامنه‌ای و سید احمد خمینی را نیز با هدف جلب حمایت صریح آنها از سیاست خارجی خود و بویژه مسئله برقراری رابطه با امریکا مورد نظر داشت، خامنه‌ای در پیامش بمناسبت سالگرد خمینی با صراحتی بیش از پیش امکان برقراری رابطه با امریکا را نفی نمود. چند روز پیش از آن و درست در اوج اعلام حمایتهای گسترده از رفسنجانی، سخنگوی وزارت خارجه امریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشته بود که دولت ایران بار دیگر خواستار

بقیه در صفحه ۳

رهبران کرد: سیاست آمریکا تقویت بغداد است

رهبران کرد نسبت به آینده مذاکرات با صدام حسین بدبینند

اکثر آوارگان کرد، خاصه از مرز ترکیه به کردستان عراق بازگشته‌اند. آنها همچنان بیم دارند که جنگ دیگری درگیرد و دوره رنج و فلاکت و آوارگی طولانی‌تر شود.

در درگیری بین پیشمرگان کرد و گارد رئیس جمهوری در دوشهر شمالی عراق هفت کشته از سوی نیروهای دولتی و تعداد اعلام نشده‌ای کشته از سوی اهالی غیر نظامی به جا گذاشت. پس از یک سلسله درگیری پراکنده بین پیشمرگان و سربازان دولتی تانکهای ارتش عراق وارد شهر سلیمانیه شد. در شهر اربیل نیز درگیری‌های چندی صورت گرفت. نیروهای سازمان ملل در این شهر روند حوادث را "نگران کننده" ارزیابی می‌کنند.

در شهر زاخو هزار نفر با شعارهای ضد صدام و طرفداری از حضور سربازان امریکایی در شمال عراق دست به تظاهرات زدند. انگیزه تظاهرات انتشار این خبر بود که نیروهای متفقین غربی در حال ترک زاخو هستند. پس از این که این خبر از جانب سخنگوی متفقین تکذیب شد، اهالی آرامش خود را بازیافتند. بدنبال این تظاهرات صدها کرد به پاسگاه پلیس زاخو حمله بردند. نیروهای امریکایی توانستند مردم را از اطراف پاسگاه متفرق سازند.

حوادثی از این دست به عنوان شاهدی بر بدبینی شدید کردها نسبت به آینده مذاکرات رهبران احزاب کردی با دولت بغداد ارزیابی می‌شود. خود این رهبران نیز بدبینی خود را پنهان نمی‌دارند. جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق که پس از مذاکراتش با صدام گفته بود نسبت به وعده‌های صدام حسین تکریتی خوش بین است، چرا که او بعنوان یک ایلیاتی، زیرقولش نخواهد زد، در هفته گذشته نسبت به این که بتوان

بقیه در صفحه ۲

اختلاف بر سر بازگشت سرمایه‌داران بالا گرفت

محتشمی: حزب الله برای جلوگیری از بازگشت طاغوتیان تا آخرین قطره خون خود را نثار خواهد کرد

مخالفت شدید تندروها با سیاست جلب سرمایه‌داران و متخصصین مقیم خارج عرصه تازه‌ای از درگیری را میان حکومتیان گشوده است. این مخالفت بویژه پس از سخنان سید احمد خمینی و انتقادات او به سیاست رفسنجانی در این مورد رو به حدت نهاد. صادق خلخالی در سخنرانی ۱۲ خرداد خود در مجلس شورای اسلامی سیاست بازگرداندن سرمایه‌داران و متخصصین را با شدتی فوق العاده محکوم کرد و گفت: تا وقتی زنده هستیم اجازه نخواهیم داد آمریکا و سرمایه‌داران به ایران برگردند. او تاکید کرد دادگاه‌های انقلاب هنوز اینجا هستند و اجازه نخواهند داد آنها بازگردند. صادق خلخالی سفر محسن نوربخش و عادلی به آمریکا و گفتگوی آنان با سرمایه‌داران ایرانی مقیم آمریکا را به باد حمله گرفت. چند روز پس از آن علی‌اکبر محتشمی یکی از رهبران حزب‌الله نیز در مصاحبه مطبوعاتی در تهران (۱۶ خرداد) سیاست بازگرداندن سرمایه‌داران و متخصصین را "خیانت" خواند و گفت: حزب‌الله برای جلوگیری از بازگشت دست نشاندگان آمریکا و "سرمایه‌داران مزدور" تا آخرین قطره خون خود را نثار خواهد کرد. محتشمی در این مصاحبه به سفر نمایندگان کمپانی‌های نفتی آمریکایی به اصفهان، در جریان برگزاری سمینار بین‌المللی نفت و گاز - نیز بشدت حمله کرد و گفت آقازاده وزیر نفت باید توضیح دهد این امریکایی‌ها به چه مجوزی به ایران دعوت شدند؟ حزب‌الله در سطوح پایین و بویژه در میان دانشجویان نیز اقدامات اعتراضی پرشماری را در این زمینه سازمان داده است. پیش از اعلام مخالفت‌های خلخالی و محتشمی از چماق‌بدستان حزب‌الله، هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی در این باره گفته بود: ما همیشه از ایرانیهای ساکن خارج دعوت کرده‌ایم که به میهن خود بازگردند. در این مصاحبه خاطرنشان ساخت بعضی از ایرانیهای ساکن خارج نباید و نمی‌توانند به وطن مراجعت کنند. آنها متهم به جنایت هستند و باید در دادگاه حاضر شوند. رفسنجانی منظور خود از این "بعضی‌ها" را روشن نساخت. امکان بازگشت به ایران را عمدتا معطوف به "گروهی از ایرانیان متخصص و تحصیل کرده که ضدانقلاب هم

بقیه در صفحه ۲

روز چهارده خرداد مراسم دومین سالگرد خمینی در محل دفن او برگزار شد. از طرف جمهوری اسلامی برای برگزاری این مراسم از هفته ها پیش تدارکات گسترده ای سازمان داده شد.

۲۰ هزار مهمان خارجی به این مراسم دعوت شد. و همگی شرکت کنندگان در مراسم بمدت ۲ روز بیمه شده بودند. برای کشاندن هرچه بیشتر مردم طبق گزارش ها به اندازه ۴ میلیون نفر غذا تهیه شده بود که بطور رایگان توزیع شد. تمامی وسایل حمل و نقل عمومی تهران جهت حمل و نقل مجانی شرکت کنندگان به نفع ستاد برگزاری این مراسم موقتا مصادره شد.

قبل برگزاری مراسم دومین سالگرد مرگ خمینی، همه مسئولین رژیم بر حیاتی بودن برگزاری وسیع این مراسم برای جمهوری اسلامی تاکید کرده

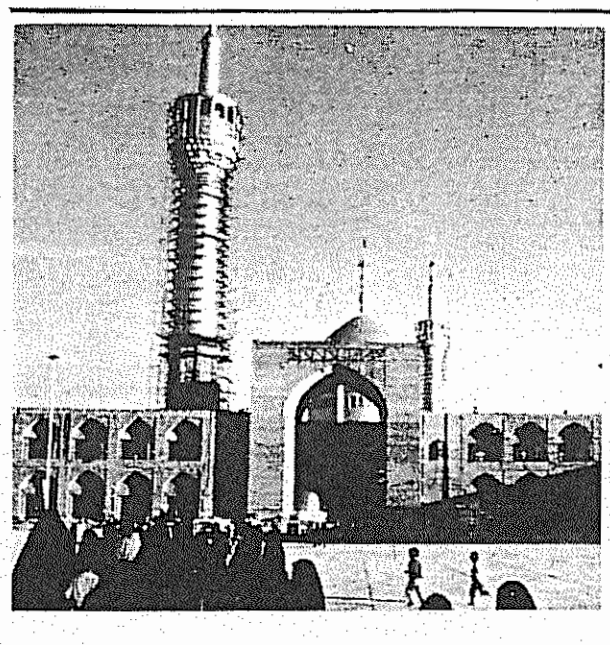

بودند. بنابر مصوبه مجلس، بودجه این مراسم مخفی و خارج از شمول دیوان محاسبات وزارت دارایی قرار داده شد.

مرده خمینی نیز برای ملت ایران زیانبار و خسران آور است.

بلوای بنیادگرایان اسلامی در الجزایر

زمینه‌ها و چشم اندازها

صفحه ۵

هندوستان در آزمونی حیاتی

صفحه ۱۰

جنگ خلیج فارس

یک تن مهمات برای کشتن هر نفر

روایت جنگ، روایت تازه‌ای نیست. اما جنگ و قتل عام انسان‌های بیگناه با استفاده از پیشرفته‌ترین تکنولوژی در روزگاری که سخن از "انسانیت" و پیروی از "عقل سلیم" است، بیش از همیشه کریه، دردناک و امید فرسا می‌نماید.

گزارش زیر هفته گذشته از سوی سازمان جهانی حفاظت از محیط زیست انتشار یافت. این گزارش با تکیه بر آمار، اسناد و منابع رسمی آمریکا، گوشه‌ای از ابعاد اعمال جنگ‌افروزان آمریکا علیه مردم منطقه خلیج فارس و عراق را افشا ساخته است.

بنا به ارزیابی سازمان "گرین پیس" سازمان جهانی حفاظت از محیط زیست، عملیات "طوفان صحرا" زیانبارترین و مخربترین جنگ تاریخ اخیر بوده است. این جنگ برخلاف گزارش رسانه‌ها نه تنها در چارچوب کشتار برنامه‌ریزی شده و بدون اشتباه کاخ سفید محدود نماند بلکه تلفات انسانی و زیستی بی‌سابقه‌ای به بار آورد.

در نتیجه جنگ خلیج فارس ۱۵۰ هزار انسان به هلاکت رسیدند و حداقل بیش از ۵ میلیون نفر بی‌خانمان و بیکار شدند. بر اثر بمباران های هوایی حدود ۵ تا ۱۵ هزار غیرنظامی به خاک وخون غلتیدند و از نیروهای نظامی، ۲۰ هزار سرباز عراقی توسط نیروهای متفقین کشته شدند. بنا

بقیه در صفحه ۲

یادداشت سیاسی

سیاست جنون آمیز تسلیحاتی در شرایط بیداد فقر و عقب ماندگی

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۳ خرداد، ارقامی را فاش ساخت که نشاندهنده سیاست جنون آمیز تسلیحاتی دولت اوست. بر اساس ارقام ارایه شده از سوی رئیس حکومت اسلامی، در صورتیکه در دوران جنگ، هزینه‌های مربوطه بنیه دفاعی کشور بین ۵۰ تا ۶۰ میلیارد تومان بود، هزینه‌های دفاعی در برنامه ۵ ساله "بازسازی" به ۵۶۰ میلیارد تومان، یعنی سالانه بیش از ۱۱۰ میلیارد تومان و ۲ برابر بودجه دفاعی کشور در زمان جنگ بالغ شده است. به تصریح رفسنجانی این بودجه، بودجه رسمی دفاعی کشور است و ارقام بسیاری را شامل نمی‌شود. بودجه بسیاری از ارگانهای امنیتی، اطلاعاتی و نظامی که جزو بودجه سری محسوب می‌شوند را باید به ارقام داده شده اضافه نمود تا معلوم شود، هرساله چه میزان عظیمی از بودجه و سرمایه کشور صرف اموری می‌شود که رئیس حکومت اسلامی بدروغ آنرا "دفاعی" می‌نامد. این سرمایه بی‌حساب خرج خرید انواع و اقسام تسلیحات نظامی و جنگی و در غالب موارد، تعرضی، گسترش صنایع نظامی و تحقیقات مربوطه به آن، افزایش قدرت نهادهای سرکوبگر داخلی و ... می‌شود. هر روز خبرهایی از معاملات هنگفت تسلیحاتی جمهوری اسلامی فاش می‌شود. هر چند حکومت اسلامی می‌کوشد بسیاری از این معاملات را پنهانی به انجام رساند، اما تاکنون خریدهای هنگفت تسلیحاتی آن از شوروی، کره شمالی، قاچاقچیان جهانی اسلحه، و قراردادهای پرشمار و کلان آن با بسیاری کشورها منجمله چکسلواکی آشکار و فاش شده است. جمهوری اسلامی با شتاب مشغول انباشتن انبارهای خود از سلاحهای مرگبار است. هر چند در بسیاری موارد سلاحهایی از رده خارج شده به جمهوری اسلامی فروخته می‌شود، اما اکنون زرادخانه تسلیحاتی جمهوری اسلامی به سلاحهای پیشرفته‌ای نظیر میگ ۲۹ نیز مجهز شده است.

سران رژیم اسلامی ضرورتی نمی‌بینند که به مردم دلایل این خریدهای کلان و سرسام آور را توضیح بدهند، اما بهانه آنان وضعیت متشنج منطقه و دفاع از امنیت کشور در برابر تجاوز خارجی است که اینروزها در منطقه بحرانی ما دلیلی عامه پسند است. اما در پی این بهانه ظاهری جمهوری اسلامی اهداف دیگری را تعقیب می‌کند. جنون عظمت طلبانه‌ای که سران رژیم از خمینی به ارث برده‌اند و تلاش آنها برای تبدیل شدن به بزرگترین قدرت نظامی منطقه‌ای آنان را به اتخاذ یک سیاست نظامی‌گرایانه سوق داده است. اکنون و پس از درهم شکسته شدن قدرت نظامی رژیم عراق، جمهوری اسلامی در رویای کسب برتری نظامی در منطقه بخش بزرگی از ثروت کشور را صرف خرید تسلیحات و طرحهای نظامی‌گرایانه می‌سازد. حکومت اسلامی با در پیش گرفتن این سیاست راه یک مسابقه تسلیحاتی جنون آمیز دیگر را در منطقه هموار می‌سازد.

هاشمی رفسنجانی در انتقاد به کسانی که توقع در مردم ایجاد می‌کنند و در توجیه ادامه وضع نابسامان و فلاکت بار اقتصادی کشور، به بودجه عظیم دفاعی که بخش بزرگی از بودجه دولت را می‌بلعد اشاره کرد، اما درست بهمان دلایل، بدلیل نیاز شدید به بازسازی کشور و به دلیل نیاز مبرم به رفع فقر و محرومیت دامن گستر، چنین بودجه هنگفت دفاعی و نظامی بیش از پیش غیر معقول می‌نماید. دولت رفسنجانی در حالی بخش عظیمی از امکانات و سرمایه‌های کشور را خرج خرید تسلیحات و برنامه‌های نظامی می‌کند که برای تامین نیازهای مالی بازسازی کشور به سیاست اخذ وامهای کلان از کشورها و منابع خارجی روی آورده و هراز چندگاه یکبار خبرهایی پراکنده از کوششهای دولت وی برای اتخاذ وامهای بیشتر منتشر می‌شود.

تجهیز تا بن دندان به سلاحهای مرگبار، باعث تامین امنیت ایران در این منطقه بحرانی نخواهد شد. تجربه تلخ و شکست خورده عراق که گفته می‌شود تا پیش از جنگ یک قدرت عمده نظامی در جهان بود، مویداین ادعاست. جنون خرید و انباشت سلاح و افزایش توان جنگی حتی اگر واقعا نیز با هدف دفاع از امنیت کشور توام باشد نه تنها تامین کننده امنیت هیچ کشوری نیست، بلکه تنها به ناامنی منطقه‌ای می‌افزاید و مسابقه تسلیحاتی را گسترش و شتاب می‌دهد.

آنچه که در مورد جمهوری اسلامی و رژیمهای مشابه آن میتوان گفت، این است که توسل به نظامی گری نه با هدف دفاع از امنیت ملی، بلکه به منظور اهداف تجاوزگرانه و توسعه طلبانه صورت می‌گیرد. انباشت سلاحهای مرگبار و اجرای برنامه‌های پرهزینه نظامی در دست و توسط چنین رژیمهایی تنها باعث ناامنی و تشنج است و باید بشدت علیه آن مبارزه شود.

اختلاف بر سر بازگشت سرمایه‌داران بالا گرفت

بقیه از صفحه اول

نیستند" دانست.

رفسنجانی سیاست جلب و بازگرداندن گروهی از ایرانیان مقیم خارج را با توجه به نیازهای شدیدی که برای ایجاد تحرک در اقتصاد جامعه وجود دارد و هم چنین الزامات سیاست نزدیکی به غرب اتخاذ کرده است، و از این رو علیرغم انتقادات و تهدیدهای جناح مخالف آن را پی خواهد گرفت. رفسنجانی علیرغم سخنان مبهم و دعوت‌های غیرصریح در دعوت از "ایرانیان خارج از کشور" بازگشت آنان را همواره شامل تبصره‌ها و محدودیت‌هایی ساخته و چندین بار مخالفت خود را با بازگشت "ضد انقلاب" بیان داشته است. اساس سیاست رفسنجانی در این زمینه و به‌ویژه اقدامات بسیار محدود عملی دولت وی، متوجه بازگرداندن سرمایه‌داران و گروهی از متخصصین بوده است و این خود نشانگر خصلت بسیار محدود اقدامات وی برای بازگرداندن مهاجرین ایرانی است. مخالفت‌های تندروها هر چند نمی‌تواند رفسنجانی را از تعقیب اهداف خود در این زمینه بازدارد، اما می‌تواند دایره مورد نظر او را محدودتر سازد.

یک تن مهمات برای کشتن هر نفر

بقیه از صفحه اول

به گزارش رسمی، مجموع تلفات نیروهای متفق علیه عراق ۳۴۳ نفر است.

طی اشغال کویت، بین ۲ تا ۵ هزار نفر از شهروندان کویت جانشان را از دست دادند. طبق ارزیابی سازمان حفاظت از محیط زیست، جنگ داخلی عراق که در پی هجوم آمریکا به این کشور روی داد، بیش از ۲۰ هزار نفر قربانی گرفت. به هنگام فرار مردم شهرهای کردنشین و شیعه‌نشین از مقابل هجوم گسترده نیروهای صدام حسین، ۱۵ تا ۳۰ هزار نفر قتل عام شدند. گزارش حاکی است که در جنگ خلیج فارس هواپیماهای آمریکایی در بمباران هوایی، برای کشتن هر یک نفر، به‌طور متوسط یک تن بمب و مواد تخریبی مصرف کردند، این رقم در جنگ آمرکا علیه کره ۴ تن و جنگ ویتنام ۲ تن برای هر نفر بود، از این نظر جنگ خلیج فارس در تاریخ جدید برای خود نمونه است.

سازمان حفاظت از محیط زیست تاکید کرد، کاربرد تکنولوژی مدرن در تولید سلاح‌های مخرب، برخلاف تبلیغات نه تنها به "انسانی شدن جنگ" یاری نکرد بلکه نتیجه خلاف داشت: جنگ زندگی مردم عراق را فلج ساخت، نیروگاه‌های برق، آب و امکانات بهداشتی و درمانی این کشور را نابود کرد. جنگ خلیج فارس فاجعه جبران ناپذیری علیه طبیعت و محیط زیست انسان به‌دست انسان بود. آنچه که علیه محیط زیست رخ داد تاکنون پوشیده مانده است. متخصصین آگاهانه و به دلایل سیاسی از ابراز نظر پیرامون تاثیر چاه‌های سوزان نفت در بروز آلودگی و خسارات ناشی از آن خودداری می‌کنند.

پژوهشگران دفتر هواشناسی بریتانیا برآنند که آلودگی ناشی از شعله‌های چاه‌های نفت، تحولات گسترده‌ای در هوای منطقه خلیج فارس در پی خواهد داشت.

مطابق گزارش مجله طبیعت چاپ انگلستان دمای هوای منطقه در روزهای آتی در طول روز به ۸ درجه ستوط خواهد کرد و بر اسید موجود در باران افزوده خواهد شد.

دود سیاه ناشی از شعله‌های چاه‌ها، مانع تابش آفتاب و انتقال گرما به بخشی از منطقه است. آنجا که آلودگی شدیدتر است، دما سنج در طول روز، دمای متوسط شبانه را نشان می‌دهد. و صدها کیلومتر دورتر از چشمه‌های شعله‌های آتش، دوده و باران‌های اسیدی غیرمترقبه محیط زیست را می‌آلایند. دانشمندان آلمان و انگلیس و وزارت انرژی آمریکا بنا به بررسی داده‌ها و مشاهدات ماهواره‌ای اعلام کرده‌اند! برخلاف فرضیه سابق مبنی بر نفوذ ذرات دوده به طبقات فوقانی جو، که موجب تغییر فوق‌العاده کند و تدریجی دمای سطح زمین می‌شد، ذرات دوده در پایین‌ترین قشر جو زمین انباشت می‌شود و تنها بعد از ۳۰ روز باران مداوم شسته و از بین می‌روند.

Greenpeace (صلح سبز) سازمان حفاظت از محیط زیست در سال ۱۹۷۱ در کانادا پایه‌گذاری شد. هدف سازمان پیشگیری از آلودگی، تخریب محیط زیست در سطح جهان است. فعالیت عمده این سازمان بر جلوگیری از آزمایش سلاح‌های هسته‌ای، جاری ساختن مواد زائد شیمیایی و باران‌های اسیدی و ریختن زباله‌های اتمی در دریاهاست. این سازمان، نماینده‌ای به‌عنوان ناظر در سازمان ملل دارد.

رهبران کرد: سیاست آمریکا تقویت بغداد است

بقیه از صفحه اول

روی وعده‌های دیکتاتور بغداد، حساب نمود، اظهار بدبینی کرد. وی گفت باید آماده نبرد بود و به این خاطر نیروهای اتحادیه میهنی و نیروهای حزب سوسیالیست کردستان برهبری محمود عثمان بایکدیگر متحد می‌شوند. هنوز معلوم نیست که آیا حزب دموکرات به‌رهبری مسعود بارزانی نیز به این اتحاد خواهد پیوست یا نه. مسعود بارزانی همچنان در بغداد به‌سر می‌برد و در حال مذاکره با صدام حسین است. آنگونه که اعلام شده، مشکل اصلی در مذاکرات موضوع شهر نفت خیز کرکوک است. مسئله این است که این شهر یک شهر کردی است یا عربی و تابع این موضوع درآمد نفت آن باید به حکومت خودمختار کرد تعلق گیرد یا دولت مرکزی. محمود عثمان روند مذاکرات را این گونه توصیف کرده است: "وقتی مذاکرات شروع شد، آنها (یعنی مقامات رژیم) تقریبا همه خواسته‌های ما را پذیرفتند. اما وقتی که صحبت بر سر اجرا رفت، آنها شروع به مانع تراشی کردند. اکنون ما مسائل مختلفی در پیش رو داریم. من خود اعتمادم را از دست داده‌ام." محمود عثمان و جلال طالبانی در مصاحبه مطبوعاتی مشترکی که در هفته پیش داشتند، امریکا را مسئول گره خوردن مذاکرات کردها با رژیم بغداد معرفی کردند. آنها گفتند: "پای مسائل گرهی که پیش می‌آید، سیاست آمریکا تقویت بغداد است."

رژیم اسلامی با تبلیغات و تحریکات مداوم به بنیادگرایی اسلامی در جنوب عراق دامن می‌زند. این تحریکات روابط تهران - بغداد را به شدت تیره ساخته است.

آیا خاورمیانه زیر سلطه مطلق غرب می‌رود؟

بقیه از صفحه ۹

"امنیتی" کشیده شوند، بلکه برعکس، منافع ملی ما ایجاب می‌کند که چنین گروهبندی‌ها و مسابقه تسلیحاتی ناشی از ایجاد آن، شکل نگیرد. منافع ملی ایران ایجاب می‌کند که کشورهای همسایه ما با ایران روابط نزدیک‌تری داشته باشند تا با غرب. منافع ملی ما ایجاب می‌کند که مردم کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌طور دمکراتیک درباره ثروت هنگفت خود و روابطشان با کشورهای دیگر تصمیم بگیرند. این، مداخله‌جویی نیست. ایران حق دارد با سیاست رژیم عربستان که منطقه را به جولانگاه نظامیان آمریکایی تبدیل کرده است، مخالفت کند.

ایران باید بتواند با همه همسایگان خود، صرفنظر از رژیم‌های حاکم بر این کشورها، گسترده‌ترین حد از روابط سیاسی و اقتصادی را، همراه با اقدامات اعتمادبرانگیز مانند قراردادهای مجدود کردن تسلیحات، برقرار کند. مادولت ایران را ملامت نخواهیم کرد اگر با همین رژیم حاکم بر عراق، هرچه زودتر قرارداد صلح دائمی منعقد کند.

این خطر جدی وجود دارد که دولت رفسنجانی برای تحکیم قدرت خود، در برقراری روابط با غرب بسیار بیش از آنچه منافع ملی ما ایجاب می‌کند، امتیاز بدهد. سیاستمداران ماکیاولیستی مانند رفسنجانی، در پیشبرد یک سیاست خارجی مطابق با منافع ملی ایران، افراد مطمئنی نیستند. برای چنین دولتمردانی، تحکیم قدرت انحصاری خود همواره اولویت بالاتری نسبت به منافع ملی دارد. ممکن است در مقاطع معینی، همسویی‌هایی میان منافع قدرت حاکمه و منافع ملی وجود داشته باشد، اما وجود این همسویی‌ها نباید از یاد ما ببرد که یک حکومت دیکتاتوری، هیچگاه مدافع خوبی برای منافع ملی نیست. بیاد آوریم که حکومت جمهوری اسلامی چگونه پس از شکست عراق در جنگ کویت ظرف چند روز از سیاست بیطرفی که منطبق بر منافع ملی ایران بود، به سیاست مداخله‌جویی در عراق روی آورد، سیاستی به‌غایت فرصت طلبانه با هدف نزدیکی به غرب، سیاستی که چشم‌انداز توافق با عراق در مورد یک صلح پایدار را تیره کرده است.

متاسفانه هنوز نیروهای ملی ایران به ضرورت حصول به یک توافق فراگیر پیرامون رئوس اصلی یک سیاست خارجی منطبق بر منافع ملی ایران توجه کافی نکرده‌اند. در شرایطی که افراطی‌گری‌های حکومت فقها زمینه را برای تبلیغ یک چرخش صدو هشتاد درجه‌ای (چه در جهت یک جمهوری اسلامی فلک زده مانند پاکستان و چه در جهت یک سیاست خارجی کپیه‌شده از سیاست خارجی رژیم شاه) فراهم کرده‌است. نیروهای ملی وظیفه دارند در مبارزه با رژیم حاکم و سلطنت طلبان، آلترناتیو خود را برای سیاست خارجی ارائه دهند. این سیاست خارجی باید بر عدم تعهد فعال، بسط مناسبات با همه کشورها و در وهله اول با همسایگان و مقابله با برتری‌جویی غرب در منطقه ما استوار باشد.

اجلاس اوپک: تثبیت موقت سقف تولید

بقیه از صفحه اول

توافق شده در اجلاس قبلی هماهنگی ندارد.

همانطوریکه انتظار می‌رفت تصمیم گیری در مورد تعیین سقف تولید اوپک به اجلاس آتی در ۳ ماه دیگر موکول شد. آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی پس از پایان اجلاس وین گفت: اگر اوپک در ۳ ماه بعد بر سر افزایش قیمت نفت به توافق نرسد، تعیین سقف تولید به شدت مشکل خواهد شد. در اجلاس وین هیئت نمایندگی عراق از دیگر کشورهای شرکت کننده درخواست کرد که امکان از سرگیری صدور نفت آن کشور با موافقت سازمان ملل را فراهم آورند. این درخواست از طرف اعضای اوپک با مخالفت روبرو شد. لازم بتذکر است که در هفته گذشته عراق از سازمان ملل تقاضا کرد که پس از شروع صدور نفت توسط عراق فقط ۳۵ درصد از درآمد نفتی عراق بابت پرداخت غرامت جنگی اختصاص یابد. این تقاضا با مخالفت امریکا مواجه گشت که خواهان اختصاص یافتن ۵۰ درصد درآمد نفتی عراق در این مورد است.

کروبی خطاب به رفسنجانی:
شعری نگوئیم که در قافیه‌اش بمانیم!

با اینکه در سطح بالای رژیم جمهوری اسلامی تلاش برای کاستن از شدت درگیری جناحین حکومتی افزایش یافته است، حملات طرفین به یکدیگر همچنان ادامه دارد. از جمله اقداماتی که برای مهار دامنه درگیریها صورت گرفته حضور رفسنجانی و اعضای دولت وی در مجلس بوده است. در این دیدار رفسنجانی کوشید به انتقادات نمایندگان از سیاست خارجی و داخلی دولت پاسخ دهد. مطبوعات کشور که خبر این دیدار و گفتگو را منتشر ساخته‌اند از موارد بحثهایی که صورت گرفته چیزی ننوشته‌اند. آنها دیدار و مصاحبه مطبوعاتی مشترک رئیس جمهور و کروبی رئیس مجلس و سخنان تعارف آمیز طرفین را به طور برجسته‌ای بازتاب داده‌اند. باوجود اقداماتی از این دست مطبوعات کشور سرشار از اخبار مربوط به حمله و ضد حمله طرفین به یکدیگر است که همچنان ادامه دارد. سخنان جنجالی رفسنجانی در سوم خرداد ماه و تهدیدات او علیه جناح تندرو نه فقط باعث عقب نشینی این جناح نگردیده که خود بهانه تازه‌ای برای تشدید درگیری شده است. بلافاصله پس از سخنان رفسنجانی، کروبی در جلسه هفتم خرداد ماه مجلس به پاسخگویی پرداخت. وی بی آنکه نامی از رفسنجانی ببرد، سخنان وی را شعری نامید که در قافیه‌اش گیر کرده‌اند. وی با پذیرش برخی خبطها در گفتار نمایندگان از کارکرد کل مجلس دفاع کردو گفت: اگر صحبت نسنجیده را بخواهیم معیار بگیریم، اینقدر صحبت نسنجیده در نمازهای جمعه در طول این چند سال گفته شد که الی ماشاالله... بنا براین شعری نگوییم که در قافیه‌اش گیر کنیم.

رئیس مجلس همچنین در دیدار با اعضای "ستاد برگزاری مراسم ارتحال امام" خواستار پایبندی به خط امام شد. وی گفت در شرایط کنونی مسئولیت پیگیری خط امام را خامنه‌ای و احمد خمینی بر عهده دارند. حذف عمدی نام رفسنجانی و هم سطح قرار دادن احمد خمینی و خامنه‌ای دهن کجی آشکار کروبی به رئیس جمهور و بالا کشاندن فرزند خمینی است که خود سودای مقام ریاست جمهوری را دارد.

کروبی پیش از این نیز مخالفت خود را با تصمیم گیریهای فردی رفسنجانی ابراز داشته بود وی در گفتگو با خبرنگار روزنامه فرانسوی فیگارو اظهار داشت که باوجود حضور در شورایعالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام از برخی تصمیم گیریها بی خبر است. وی به پرسش خبرنگار پیرامون سفر قریب الوقوع رفسنجانی به فرانسه چنین پاسخ داد: ... در مورد سفر با اینکه من با آقای هاشمی رفسنجانی جلسات مشترک هفتگی در شورای انقلاب فرهنگی، شورای امنیت ملی و شورای تشخیص مصلحت نظام داریم در رسانه‌ها خواندم که ایشان دعوت شده‌اند...

در این گفتگو کروبی همچنین کوشید مانع بهره گیری انحصاری رفسنجانی از ثمرات سیاست درست بیطرفی در جنگ خلیج فارس بشود و از وزن شعارهای ماجراجویانه دسته‌ای از سرکردگان جناح تندرو در بحبوحه جنگ بکاهد. وی به خبرنگار گفت که در جریان جنگ از هر دو جناح حکومتی کسانی خواستار مداخله به سود عراق بودند. کروبی افزود مثال خالدبن ولید را - که محتشمی برای صدام حسین عنوان کرده بود - کسان دیگری نیز از آن جناح در نماز جمعه گفتند.

در مجلس علاوه بر کروبی دیگر نمایندگان جناح تندرو به مقابله با رفسنجانی برخاسته‌اند. اینک هر جلسه عرصه سخنرانی این دسته از نمایندگان است که بی پرواتر از پیش و به نام از رفسنجانی انتقاد می‌کنند. مجالس آشتی کنان البته می‌تواند تا حدودی بر شکل درگیریها تاثیر بگذارد اما درگیری عمیق تر از آن است که با این تشبثات مهار شود.

تعرض رفسنجانی و مقاومت تندروها ادامه دارد

بقیه از صفحه اول

برقراری مناسبات با امریکا شده است. سخنگوی وزارت خارجه امریکا در این مصاحبه اعلام داشته بود که برای برقراری مناسبات جمهوری اسلامی باید از تروریسم و گروگان گیری دست بردارد.

هر چند شعارهای ضد امریکایی خامنه‌ای از سوی محافل سیاسی تاکنون کمتر جدی گرفته شده است اما مخالفت صریح وی با برقراری رابطه با امریکا تلاشهای پنهان و آشکار رفسنجانی در این راستا را با موانع تازه‌ای مواجه کرد. رفسنجانی در جلب حمایت همه جانبه خامنه‌ای از سیاست خارجی خود در این مرحله نیز ناموفق ماند. چندی پیش رفسنجانی اعلام داشته بود که برای برقراری مجدد رابطه با امریکا دستور و تصمیم رهبر جمهوری اسلامی لازم است.

خامنه‌ای در سخنانی که بر مزار خمینی ایراد کرد، سید احمد خمینی را نیز با جملاتی مشابه با آنچه در پیام خود در مورد رفسنجانی گفته بود، ستود. هاشمی رفسنجانی نیز در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی مجبور شد، این واقعیت را که در سخنرانی سوم خرداد خود سید احمد خمینی را نیز در نظر داشته است، تکذیب کند. بدین ترتیب در حالیکه بین رهبر و رئیس جمهور بر سر سیاست خارجی و در مرکز آن رابطه با امریکا اختلاف نظر وجود دارد و رفسنجانی نتوانسته است بر مخالفت خامنه‌ای در این عرصه پیروز شود، جناح مسلط در مورد اعمال فشار بیشتر بر جریان تندرو همچنان دارای وحدت است و پشتیبانی صریح خامنه‌ای از دولت رفسنجانی و شخص او، مقاومت تندروها را دشوارتر و اعمال فشارهای بیشتر و سرکوب آنها را تسهیل کرده است. رفسنجانی در سودای عروج به راس هرم قدرت و برقراری استبداد فردی، کار را از اعمال فشارهای همه جانبه و تنگ کردن میدان بر حریف فراتر برده و نخستین اقدامات سرکوبگرانه علیه آنها را آغاز کرده است. قربانعلی صالح آبادی و صادق خلخالی دو تن از نمایندگان تندرو را به دادستانی اوین احضار کرده و مورد بازپرسی قرار داده‌اند. دفتر مرکزی تحکیم وحدت، جریان دانشجویی هوادار جناح تندرو، را اشغال و تعطیل کرده و به گفته یزدی رئیس قوه قضائیه در کار تعطیل دفاتر آنها در دانشگاه‌ها هستند. ری‌شهری دادستان کل انقلاب را به بهانه مشغله‌ای که خامنه‌ای در امور حرج برایش دست و پا کرده از سمت خود مستعفی کرده‌اندو فرد جدیدی را به جایش نشانده‌اند. رئیس قوه قضائیه، اعلام کرده است که قوه قضائیه با افرادی که بخواهند با سیاستهای دولت مخالفت کنند، بعنوان مجرم برخورد خواهد کرد. طرفداران رفسنجانی در سخنرانی‌های خود، امکان تعطیل روزنامه‌های مخالف دولت را پیش کشیده اندو هدفشان در درجه اول روزنامه سلام - به مدیریت موسوی خوئینی‌هاست. همه این اقدامات و اقدامات پرشمار پنهان و آشکار دیگر نشان آن است که باند مسلط در مبارزه با جناح رقیب بیش از پیش به شیوه‌های سرکوبگرانه روی میاوردو امکان مخالفت علنی با دولت حتی در میان جناحهای حکومتی نیز محدودتر میشود.

تندروها در برابر تعرض ائتلاف خامنه‌ای - رفسنجانی عقب ننشسته‌اندو به مخالفت و حملات متقابل ادامه می‌دهند.

دوروز بعد از سخنرانی رفسنجانی، کروبی رئیس مجلس در جلسه روز یکشنبه ۶ خرداد، به سخنان او پاسخ دادو انتقادات و اختلافات را واقعی خواند. او در مصاحبه با نشریه "ژون افریک" ضمن آنکه خود را از جناحهای موجود مبرا دانست، رابطه با امریکا را به شدت مردود دانست و در مصاحبه با نشریه فرانسوی "فیگارو" مدعی شد که حتی تصمیماتی مهم چون سفر رفسنجانی به فرانسه بدون اطلاع او که رئیس مجلس، عضو شورای عالی امنیت ملی و عضو مجمع تشخیص مصلحت است، گرفته میشود. نمایندگان وابسته به جناح تندرو در مجلس به سخنان و حملات خود علیه دولت رفسنجانی و به ویژه شخص او صراحت بیشتری داده‌اندو به همان نسبت که فشارهای بیشتری را بر خود حس می‌کنند حملاتشان تندتر می‌شود. صادق خلخالی از جمله نمایندگانی بود که پس از سخنرانی رفسنجانی در ۳ خرداد او را به شدت به باد انتقاد گرفت و سیاستهایش به ویژه در مورد بازگشت سرمایه‌داران فراری را محکوم کرد. خلخالی گفت سخنان رفسنجانی برای خودشیرینی و پیروزی در انتخابات آینده است.

کانون مبارزه، انتخابات مجلس چهارم است. طرفداران رفسنجانی علنا اعلام می‌کنند که اگر مجلس چهارم پشتیبان دولت نباشد، همه برنامه‌ها و از جمله برنامه ۵ ساله اجرا نخواهد شدو تندروها نیز میدانند که اگر مجلس چهارم را از دست بدهند، آخرین ارگان عمده تاثیر گذار خود را از دست خواهند داد. در این مبارزه تقریبا همه سلاحهای تعیین کننده در دست ائتلاف مسلط است. تندروها بی‌برنامه، پراکنده و بدون رهبرند. رفسنجانی دارای برنامه است، ارگانهای اجرایی و مهمتر از آن ارگانهای سرکوبگر را در اختیار دارد و مبارزه سیاسی با رقیب را با استفاده از روشهای استبدادی توام ساخته‌است. اما علیرغم برگهای برنده او، هنوز معلوم نیست مخالفین او مقاومت برای جلوگیری از حذف خود را تا کجا و با چه شیوه‌هایی ادامه خواهند دادو تضادهای رهبر - رئیس جمهور و در بیانی کلی‌تر ائتلاف مسلط به چه شکل عمل خواهدکرد.

لزوم اقدامات مشترک و پردامنه اعتراضی

سفر آتی هاشمی رفسنجانی به کشورهای اروپایی چه در حکومت جمهوری اسلامی و چه در میان مخالفین آن با حساسیت و توجه ویژه‌ای توام شده است. از هم‌اکنون بحث‌های گسترده‌ای در طیف اپوزیسیون دموکرات و ترقی‌خواه ایران در خارج از کشور پیرامون چگونگی برخورد با این سفر آغاز شده است.

ما همانگونه که قبلا نیز اعلام کرده‌ایم نه با اصل برقراری رابطه بین دولت‌ها مخالفیم و نه خواهان ادامه انزوای جمهوری اسلامی هستیم. خواست ما این است که این مناسبات، مناسباتی منطبق بر اصل تامین منافع ملی ایران و مفید برای پیشرفت جامعه باشد. پیداست که جمهوری اسلامی بدلایل بسیار نمی‌تواند پاسدار پیگیر منافع ایران و مدافع حقوق ملی و مردمی در این راستا باشد و از این رو به اعتقاد ما این مناسبات باید علنی و آشکار باشد تا بتواند مورد به مورد در معرض قضاوت قرار گیرد. علنیت مناسبات و سیاست خارجی امکانات رژیم را در سوء استفاده از موقعیت خود و برقراری روابطی ضد ملی و خائنانه محدود می‌سازد.

آنچه که ما از دولت‌های دیگر می‌خواهیم، این است که برقراری مناسبات با جمهوری اسلامی به فراموشی حقوق بشر و سرکوب دموکراسی در ایران نیانجامد و فشارهای بین المللی به جمهوری اسلامی در این زمینه ادامه یابد. از هم اینک و با آشکار شدن نخستین نشانه‌های سودهای فراوان سهیم شدن در بازسازی ایران، حقوق بشر در ایران از سوی دولت‌های مدعی حقوق بشر به فراموشی سپرده شده است. نشانه تلخ و بارز این واقعیت سفر رولان دوما وزیر خارجه فرانسه به تهران است. او که پیش از ایران از چین دیدار کرده و در آنجا رعایت حقوق بشر و دموکراسی را مطرح ساخته بود، در ایران نه تنها پیرامون این موضوع سکوت کرد، بلکه حتی در دفاع از حکومت اسلامی مدعی شد که در تهران "تیان مین" وجود ندارد!

بر اساس این دیدگاه عمومی ما مدافع و موافق آن هستیم که در جریان سفر رفسنجانی به کشورهای اروپایی، اعتراضاتی هر چه گسترده‌تر برپا گردد و اپوزیسیون دموکرات ایران بتواند با سیاستی واحد دامنه این اعتراضات را وسعت بخشد.

اگر هدف از این اعتراضات روشن شود، آنگاه می‌توان به بسیاری از بحث‌های پایان ناپذیر نیز پایان داد و اقدامات را هماهنگ ساخت. بر کسی نباید پوشیده باشد که هر اقدام اعتراضی که در اروپا صورت می‌گیرد، هدف اساسی‌اش جلب افکار عمومی این کشورها و تحت فشار قرار دادن دولتمردان اروپایی است و نه پیروزی خط یک سازمان سیاسی بر سازمان سیاسی دیگر! بر همین اساس - به اعتقاد ما - باید گسترده‌ترین اعتراضات را حول شعار پایان دادن به سرکوب دموکراسی و رعایت حقوق بشر در ایران یعنی مورد قبول‌ترین و منطقی‌ترین شعار و خواسته در اروپا سازمان داد، افکار عمومی غرب را متوجه واقعیات جامعه ایران و جنایات حکومت و از جمله شخص رفسنجانی ساخت و به دولت‌های اروپایی میزبان وی فشار آورد که در مذاکرات خود با رئیس حکومت اسلامی و مناسبات آتی خود با این رژیم خواست رعایت حقوق بشر در ایران را با پیگیری بیشتری مطرح سازند و از آن دفاع نمایند.

ما ضمن استقبال از شرکت در هر حرکتی که در این راستا صورت گیرد، موضع گیری اپوزیسیون دموکرات ایران و تحرک سیاسی آن در این جهت را دارای اهمیتی بسیار می‌شناسیم و به سهم خود در تلاش‌هایی که برای حرکت مشترک گروهها و سازمان‌های سیاسی - و از جمله سازمان‌های سیاسی چپ - صورت می‌گیرد، شرکت می‌کنیم. هر چقدر سازمان‌های سیاسی بتوانند موضعی هماهنگتر، اقدامی مشترک‌تر و تحرکی بیشتر نشان بدهند، حرکت اعتراضی علیه سرکوب دموکراسی در ایران دامنه‌ای وسیع‌تر و پراهمیت‌تر خواهد یافت و امکان بند و بست دول اروپایی با رئیس جمهوری اسلامی و معامله بر سر حقوق بشر نیز محدودتر خواهد گردید.

ما ضمن اهمیت دادن به اقدام مشترک گروه‌های سیاسی اپوزیسیون که تاثیری فراوان، از جمله در داخل کشور، دارد حرکت اعتراضی، به ویژه در اروپا را، به سازمان‌های سیاسی محدود نمی‌دانیم. به نظر ما این اقدامات اعتراضی باید به گونه‌ای سازمان داده شود که طیف هر چه وسیعتری از ایرانیان مقیم خارج را دربرگیرد و همه هم میهنانی که به نوعی قربانی سرکوب دموکراسی و حقوق بشر در ایران بوده‌اند، بتوانند در آن شرکت کنند. لازمه این کار، برخورد دموکراتیک، صادقانه، بدور از گروه گرایی و هژمونیسم است. اعتراض به سرکوب دموکراسی در ایران در موقعیتی مناسب، چون سفر رفسنجانی، بسیار پراهمیت‌تر از آن است که بخاطر اینگونه برخوردها تضعیف و بی اثر شده شود.

مباحثه برادرانه!

دیروز بعد از نطق قبل از دستور آقای موحدی ساوجی نماینده ساوه مجلس متشنج شد. وی هنگامیکه از تریبون پائین آمد، بسیار عصبانی واحساساتی بنظر می‌رسید و با چهره‌ای برافروخته خطاب به نمایندگان جناح مقابل می‌گفت: من پدر همه شان را در می‌آورم، که با اعتراض هادی غفاری نماینده تهران مواجه شد. آقای موحدی که همچنان برافروخته و ملتهب بود جملات بسیار رکیکی که در شأن یک مسلمان نبود به پدر آقای غفاری (مرحوم آیت‌الله شهید غفاری) نسبت داد. که بلافاصله غفاری خطاب به رئیس مجلس گفت: **آقای موحدی به پدرم فحاشی می‌کند**، در این هنگام آنچنان جملات زننده‌ای از ناحیه نماینده ساوه نثار نمایندگان جناح مقابل می‌شد که آقایان موحدی کرمانی وشیبانی وادار به ساکت کردن آقای موحدی شدند. لازم به ذکر است که پس از سخنان توهین آمیز نماینده ساوه، صالح آبادی طبق ماده ۷۷ آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تذکر آئین‌نامه‌ای داد.

هادی غفاری نماینده تهران پیرامون سخنان آقای موحدی گفت: وی در نطقش شدیداً شهرداریها را مورد خطاب قرار داد، و دلیل اعتراض وی اینست که شهرداری چون پروانه ساخت منزل تازه‌ساز میدهی که در تقاطع اتوبان شهید صدر و شهید مدرس می‌باشد را صادر نکرده است، امروز آقای موحدی در نطق خود اینچنین شهردار تهران را مورد انتقامجوئی قرار داده.

لازم به ذکر است که منزل آقای موحدی دارای ۷۰۰ متر زیربنا و ۴ طبقه می‌باشد و طبق اظهار موثق منزل مسکونی وی ارزشی بالغ بر ۵۰ میلیون تومان دارد.

روزنامه سلام ۲۵ اردیبهشت

انتخابات نظام پزشکی برگزار می‌شود

به گفته وزیر بهداشت و درمان انتخابات نظام پزشکی کشور در روز ۱۱ مرداد برگزار خواهد شد. این انتخابات بر اساس قانون تازه نظام پزشکی صورت می‌گیرد که در زمان بررسی و تصویب با مخالفت پزشکان روبرو شده بود.

سازمان نظام پزشکی کشور به عنوان یک سازمان مستقل صنعتی با عناد و دشمنی رژیم اسلامی روبرو بود. چندسال پیش رژیم همراه با برپایی موج گسترده‌ای از تبلیغات سوء علیه این تشکل و هتاکی و فحاشی علیه پزشکان کشور، عده‌ای از اعضای هیات مدیره نظام پزشکی را دستگیر کرد. در پی آن وزارت بهداری خودسرانه و باوجود مخالفت پزشکان کشور، دکتر شیبانی را در راس دستگاه نظام پزشکی نشاند.

اکنون که رژیم تلاش‌هایش را برای جذب پزشکان ایرانی مقیم خارج پی می‌گیرد نمی‌تواند نسبت به حق اولیه و بدیهی پزشکان مبنی بر داشتن سهم در گزینش رهبری نظام پزشکی بی‌اعتنا بماند. رژیم امیدوار است با اتکا به مقررات مجدود کننده مندرج در قانون تازه نظام پزشکی کنترل خود را بر این ارگان همچنان حفظ کند. نتایج انتخابات مردادماه نشان خواهد داد که رژیم در جهت جلب و جذب متخصصین تا چه حد قادر است از قید و بندهای تنگ نظرانه‌اش بکاهد و به حداقل حقوق صنفی آنان تمکین کند.

جلوگیری از سخنرانی لاریجانی

انجمن اسلامی دانشگاه ملی از سخنرانی دکتر لاریجانی در این دانشگاه جلوگیری به عمل آورد. سخنرانی لاریجانی به دعوت تشکل دیگری از دانشجویان بنا بود در هشتم خرداد انجام گیرد. انجمن اسلامی علت مخالفت با سخنرانی لاریجانی را ناشناخته بودن دعوت کنندگان اعلام داشت!

سفر هیات تحقیق سازمان ملل به ایران

یک هیئت تحقیق از سوی سازمان ملل متحد، روز جمعه ۱۰ خرداد به ایران آمد تا شهرها و مناطق آسیب دیده در جریان جنگ ۸ ساله را مورد بازدید قرار دهد. مدت اقامت هیئت فوق در ایران بین ۲ تا ۳ هفته پیش‌بینی شده است و سفر آن مطابق بند ۷ قطعنامه ۵۹۸ صورت می‌گیرد که تشکیل هیئتی از سوی سازمان ملل متحد برای تعیین میزان خسارات وارده در طول جنگ را پیش‌بینی کرده است. به‌نظر نمی‌رسد که نتایج تحقیق این هیئت به زودی اعلام شود. جمهوری اسلامی تاکنون رقم‌های متفاوتی را در مورد میزان خسارات وارده اعلام کرده، اما چندی پیش رفسنجانی این خسارات را بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار اعلام کرد.

اجرا و پیگیری سایر بندهای قطعنامه نیز بدلیل وضعیت بحرانی منطقه و تیرگی شدید مناسبات ایران و عراق معوق مانده است. اخیرا هاشمی رفسنجانی مدعی شد که هنوز حدود ۵ هزار اسیر ایرانی در عراق به سر می‌برند. وی خواستار توضیح عراقی‌ها در این زمینه گردید و آزادی باقی مانده اسرای عراقی در ایران را منوط به پاسخ مثبت دولت عراق دانست.

بدهی‌های خارجی جمهوری اسلامی

میزان بدهی ایران به بانک‌های خارجی تا پایان سال گذشته میلادی به ۳ میلیارد و ۶۶۴ میلیون دلار رسید. این خبر را بانک بین‌المللی تسویه حساب های مالی در اختیار رسانه‌ها قرار داده است. در چند ماهه اخیر بر مبلغ فوق میلیاردها دلار وام تازه‌ای که از بانک‌های فرانسوی و ایتالیایی و دیگر کشورها گرفته شده، افزوده شده است.

در گزارش بانک مزبور همچنین آمده است که سپرده‌های خارجی دولت جمهوری اسلامی در پایان سال ۹۰ مبلغ ۶ میلیارد و ۶۹۰ میلیون دلار بود.

دستگیری‌های تازه در خوزستان

ساواک رژیم جمهوری اسلامی - وزارت اطلاعات - طی اطلاعیه‌ای اعلام داشت اعضای گروهی بنام ''مهاجرین خلق'' دستگیر شده‌اند. اطلاعیه می‌گوید این گروه در سال ۱۳۵۸ تاسیس شد و در شهرهای شمالی خوزستان فعالیت داشت. به‌ادعای وزارت اطلاعات این گروه سازمانگر اعتصاب و تظاهرات محصلین شهر شوش در سال ۵۸ بود. اطلاعیه حاکی است که اعضای این گروه از نفرات سپاه و کمیته و دیگر ارگان های وابسته به رژیم بوده‌اند.

عملیات مسلحانه در کتابخانه نیاوران

به‌نوشته روزنامه سلام در روز ۲۱ اردیبهشت تعداد زیادی افراد مسلح که خود را وابسته به حفاظت سپاه معرفی می‌نمودند، واحد حراست کتابخانه کاخ نیاوران را خلع سلاح کردند و کتابخانه را به اشغال خود درآوردند. به گفته فرمانده این عملیات، این اقدام بدستور مستقیم معاون رئیس جمهور صورت گرفته است. عملیات اشغال کتابخانه در حالی صورت گرفت که رئیس کتابخانه در حین مذاکره با یک هیات فرانسوی بود. روزنامه سلام اظهار نظر کرده است که این عملیات به این خاطر صورت گرفت که دکتر لاریجانی معاون پیشین وزارت خارجه چند اتاق این کتابخانه را در اختیار خود گرفته بود.

چند خبر کوتاه

* فاضل هرندی سرپرست هیات‌های واگذاری زمین گفت تاکنون یک میلیون و ۴۵۰ هزار هکتار زمین در اختیار ۲۰۰ هزار خانوار کشاورز قرار گرفته است.

* بر اساس آمار شرکت مخابرات، کشور ما از نظر ضریب نفوذ تلفنی (تعداد تلفن به نسبت صد نفر جمعیت) در میان ۱۳۵ کشور جهان مقام نود و سوم را داراست.

* در پاییز سال جاری نشست مشترک سران سه کشور عضو اکو - ایران، ترکیه و پاکستان - برگزار خواهد شد. این تصمیم در اجلاس اخیر شورای وزیران اکو اتخاذ گردید.

* اصفهان در شهریور ماه سال جاری شاهد برگزاری کنگره‌ای خواهد بود که به مناسبت چهارصدمین سال گزینش این شهر به عنوان پایتخت، برپا می‌شود.

* شهر زواره در پی وزش باد شدیدی که غبار سیاه به همراه داشت، در تاریکی کامل فرو رفت.

* ریزش برف در ارتفاعات تهران و آذربایجان شرقی که در خردادماه رویداد بیسابقه‌ای است، مردم این مناطق را غافلگیر کرد. در تهران مناطق میگون، شمشک و در بندسر با برفی به ارتفاع ۱۰ سانتیمتر سفیدپوش شد. بارش برف خساراتی به محصولات کشاورزی و دام‌ها وارد ساخت.

نماینده مجلس: دولت از سیاست بیطرفی عدول کرد

صالح‌آبادی نماینده مجلس اعلام داشت که دولت رفسنجانی از سیاست بیطرفی دست کشیده است. وی که همراه با مهاجرانی معاون رئیس جمهور در جمعی از دانشجویان سخن می‌گفت از سیاست بیطرفی ایران در جریان جنگ خلیج فارس دفاع کرد. وی در ادامه این گفتگو افزود ولی دولت رفسنجانی در پایبندی به بیطرفی ناپیگیر ماند و با سمت‌گیری علیه عراق به منافع ملی ما آسیب وارد ساخت. به گفته صالح‌آبادی توقف مذاکره ایران و عراق پیرامون اجرای تطعنامه و عدم دستیابی به قرارداد صلح نتیجه عدول دولت رفسنجانی از سیاست بیطرفی است.

دیدار وزیر خارجه عربستان از تهران

امیر سعودالفیصل وزیر خارجه عربستان سعودی که هفته گذشته به قصد یک دیدار دوروزه وارد تهران شده بود، روز ۵شنبه به سفر خود پایان داد. سعودالفیصل در تهران با هاشمی رفسنجانی و علی اکبر ولایتی دیدار و گفتگو کرد. در جریان این دیدارها مسائل متعددی مورد بررسی قرار گرفت. همکاریهای دوجانبه، همکاری‌های جمهوری اسلامی و عربستان در سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان ملل متحد و اوپک، مناسبات جمهوری اسلامی با شورای همکاری خلیج فارس، مسایلی که امنیت دو کشور را تهدید می‌کند، مسایل مربوط به امنیت منطقه و آینده افغانستان از جمله موضوعات مورد گفتگوی طرفین بود.

هیچ کدام از مقامات دو طرف، در مورد جزئیات گفتگوها توضیحی نداده‌اند. بخش عمده‌ای از گفتگوها به مسائل مربوط به امنیت منطقه اختصاص یافت و در این میان تهدیدات مشترک علیه امنیت دو کشور جای ویژه‌ای داشت. هرچند طرفین در مورد منشا این ''تهدید مشترک'' توضیحی نداده‌اند اما یگانه منظور عربستان و جمهوری اسلامی در این زمینه می‌تواند رژیم عراق باشد که در جریان بحران خلیج فارس به دشمنی و جنگ با عربستان سعودی پرداخت و روابط جمهوری اسلامی با آن نیز اخیرا به شدت تیره شده است. دوطرف مذاکرات و توافقهایی پیرامون آینده افغانستان نیز بعمل آورده‌اند. هم ولایتی و هم سعودالفیصل پشتیبانی خود را از طرح دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد افغانستان و لزوم برگزاری انتخابات همگانی برای پایان دادن به جنگ داخلی در آن کشور اعلام داشتند. آنها کوشیدند در جهت هماهنگی گروههای اسلامی مخالف دولت افغانستان، اقدامات خود را مشترک سازند. جمهوری اسلامی همواره فعالیت ''وهابیون'' وابسته به عربستان در پاکستان و افغانستان را محکوم کرده و آنها را عاملی در جهت تفرقه میان گروه‌های اسلامی دانسته است.

در زمینه بسیاری از موارد مورد گفتگو، طرفین بجای توضیح و تشریح موارد گفتگو و توافقهای انجام شده، به تعریف از یکدیگر پرداختند. هاشمی رفسنجانی پس از دیدار با وزیر خارجه عربستان گفت: زمینه‌های فراوانی برای افزایش همکاری میان دو کشور مقتدر خلیج فارس وجود دارد که بسود هر دو کشور منطقه خواهد بود. علی اکبر ولایتی نیز سفر سعودالفیصل را سازنده خواند و افزود که به ویژه بحثهای اقتصادی بسیار مفید بود و در آینده نیز در این زمینه (روابط اقتصادی) اقداماتی صورت خواهد گرفت. وزیر خارجه عربستان دیدار خود از تهران را ''پر خیر و برکت'' خواند و گفت عربستان امیدوار است روابط خود با تهران را گسترش بخشد. وی در جریان دیدار خود با رفسنجانی، دعوت ملک فهد پادشاه عربستان را برای دیدار رئیس حکومت اسلامی از آن کشور، به وی تسلیم کرد. از پاسخ رفسنجانی به این دعوت هنوز اطلاعی منتشر نشده است.

نماینده مجلس: در زندانها با شکنجه اعتراف می‌گیرند

موسوی تبریزی نماینده تبریز در مجلس افشا کرد که نمایندگان مخالف در مجلس را تهدید کرده‌اند که در اوین زندانی خواهند شد. وی این اظهارات را طی سخنانی شدیداللحن در مجلس بیان داشت. وی هم‌چنین با انتقاد از قوه قضاییه گفت وزارت اطلاعات و دادسراها خودسرانه و بدون وجود مجوز قضایی به دستگیری‌های بی‌مورد و مغرضانه اقدام می‌کند و همچنین در برخی محاکم بدون حضور وکیل و یا هر ناظر دیگری متهمان را محاکمه می‌کنند. موسوی تبریزی وجود شکنجه در زندان‌های ایران را بدینگونه مورد تایید قرار داد که ''اقرار گرفتن با اجبار و تهدید و اعمال فشار'' صورت میگرد. وی در سخنان خود آزادی بیان و قلم را از ضروریات خدشه‌ناپذیر جامعه نامید.

ارقام گویا از سقوط اقتصادی کشور

اکنون چندی است که مسئولین دولتی و مطبوعات کشور حقایقی از میزان سقوط اقتصاد کشور در سال‌های استقرار رژیم جمهوری اسلامی را اعلام میدارند. از جمله انگیزه‌های آنها در این کار، تضعیف جناح مقابل از طریق افشای آثار ویرانگر سیاست‌های اقتصادی دولت میرحسین موسوی و جا انداختن مشی اقتصادی دولت رفسنجانی است. گفتنی است که بسیاری از همین مسئولین و از جمله رفسنجانی در طی سال‌های دولت موسوی و سال‌های جنگ از پیشرفت‌هایی که نصیب مملکت شده است صحبت می‌کردند.

جدول زیر بر اساس اطلاعاتی تنظیم شده است که روزنامه کیهان در همین راستا درج کرده است

	۰ سال ۱۳۵۶	سال ۱۳۶۷
نسبت سرمایه‌گذاری به محصول ناخالص ملی	%۲۷/۴	%۱۵
تولید سرانه ناخالص ملی (به قیمت ثابت سال ۵۳)	۱۱۲۰۰ تومان	۵۵۵۰ تومان
هزینه مصرف سرانه	۵۳۰۰. تومان	۳۴۰۰ تومان
بودجه سرانه دولت	۴۳۰۰. تومان	۱۲۴۰ تومان
کسری بودجه	۳۶/۵ میلیارد تومان	۲۱۴/۶ میلیارد تومان
نرخ بیکاری	(سال ۵۵) %۷/۱	(سال ۶۵) %۱۴/۱

افزایش بهای لبنیات

در ادامه افزایش بهای کالاها، بهای شیر و دیگر فرآورده‌های لبنی نیز افزایش یافته است. علت افزایش بها تصمیم دولت مبنی بر حذف سوبسید برای حمایت از مصرف کننده است. کلیشه‌ای که در زیر مشاهده می‌کنید نامه یکی از خوانندگان روزنامه اطلاعات است.

اخیراً در نحوهٔ توزیع شیر تغییراتی داده شده و عرضهٔ آن به صورت «آزاده» در آمده است. در صورتی که قبل از آن، شیر به بیماران و نوزادان توسط شوراهای محلی توسط کارت مخصوص ارائه می‌شد و هستند خانواده‌هایی بی بضاعت که قدرت خرید شیر را به صورت آزاد ندارند و از طرفی در سابق به خانواده‌های عائله مند چند نفره هم کارت شیر داده می‌شد که آن هم لغو شده است.
لذا از آن جایی که اکثر خانواده‌های عائله مند را افراد بی بضاعت تشکیل می‌دهد و اکثراً هم کارگر هستند و نیاز مبرمی به شیر دارند از مسئولین مربوطه تقاضا می‌شود تجدید نظری در این باره به عمل آورند.
تهران - قدرتی

جنجال آفرینی تازه روزنامه کیهان علیه هنرمندان

حضور سیمین بهبهانی شاعر معاصر در مراسم شعرخوانی دانشکده ادبیات دانشگاه آزاد، بهانه تازه روزنامه کیهان برای دامن زدن به هنرستیزی شده است. مسئولین این روزنامه که اکنون پیشاپیش قداره‌کشان ضد فرهنگی حرکت می‌کنند، دانشگاه آزاد را بخاطر برپایی این شب شعر مورد حمله قرار داده‌اند. این روزنامه هم‌چنین مقاله‌ای از سوی عده‌ای از دانشجویان حزب‌الهی در هتاکی به سیمین بهبانی به چاپ رسانده است. در پی این جنجال رئیس دانشگاه آزاد قول داد که از این پس از اینگونه هنرمندان دعوت به عمل نخواهد آمد.

بلوای بنیادگرایان اسلامی در الجزایر

زمینه‌ها و چشم اندازها

در الجزایر حالت فوق‌العاده اعلام گردیده است. در الجزیره و چند شهر شمالی کشور بین ساعات ۲۳و۳ رفت و آمد در خیابانها ممنوع است. در سرتاسر الجزایر اعتصاب، تظاهرات و اجتماع ممنوع اعلام شده است. کابینه مولودهمروخ استعفا داده و شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر سید احمد غزالی را که در کابینه پیشین وزیر خارجه بوده، مامور تشکیل کابینه جدید کرده است. انتخابات مجلس که قرار بود در ۲۷ ماه ژوئن برگزار گردد، به تعویق افتاده است. همه این رویدادها پی آمد بلوایی است که بنیادگرایان اسلامی در الجزایر برپا کردند. نیروی اصلی بنیادگرایان الجزایری حزب نجات اسلامی است. این حزب در اواخر ماه مه دعوت به اعتصاب عمومی کرده بود تا دو خواسته تغییر قانون انتخابات مجلس و برگزاری همزمان انتخاب رئیس جمهوری با انتخابات مجلس را به کرسی بنشاند.

به نظر جبهه نجات قانون انتخابات و نحوه تقسیم نمایندگان به گونه‌ای از جانب حزب حاکم "جبهه آزادی بخش ملی" دیکته شده که به نفع این حزب تمام می‌شود و در مورد احزاب اسلامی حق‌کشی می‌کند. جبهه نجات که در انتخابات شهرداری‌ها در سال گذشته بیشترین آرا را به خود اختصاص داده بودو در شوراهای شهرها اکثریت دارد بر این گمان است که در انتخابات مجلس نیز چنین موفقیتی به دست خواهد آورد. جبهه نجات برای آنکه به زعم خود در انتخابات، کل حاکمیت را به چنگ آورد و در الجزایر یک حکومت جمهوری اسلامی بر پا کند علاوه‌بر تغییر قانون انتخابات خواهان آن نیز هست که شاذلی بن جدید کناره گیرد و همزمان با انتخابات مجلس رئیس جمهور نیز انتخاب شود. اعتصاب عمومی‌ای که از جانب جبهه نجات برای رسیدن به این خواسته‌ها در ۲۵ ماه مه اعلام شده بود، مورد استقبال مردم قرار نگرفت. کارگران الجزایری فراموش نکرده بودند که جبهه نجات فراخوان سندیکاها به اعتصاب در ماه مارس را که در اعتراض‌به قیمت‌ها و کمبود دستمزدها بود، تحریم کرده بود. این بار اکثر کارگران و کارمندان اعتصاب برپاشده از جانب جبهه نجات را تحریم کردند.

جبهه نجات اسلامی پس از این که پی برد فراخوان به اعتصاب عمومی با شکست مواجه شده تصمیم به درگیری خیابانی گرفت تا انتخابات مجلس- که دیگر نمی‌شد برروی پیروزی در آن حساب کرد- به تاخیر بیفتد. نمایش‌های خیابانی برپا شده از سوی جبهه نجات در هفته گذشته با واکنش خشن پلیس و ارتش مواجه شد. حدود ۴۰ نفر کشته شده، حدود ۷۰۰ نفر زخمی گردیده و عده کثیری دستگیر شدند. جبهه نجات در پی واکنش شدید دولت هواداران خود را ظاهرا به آرامش فرا خواند. این آرامش دیرپا نیست. جبهه نجات به شورش روآورده تا کشته وزخمی دهد، بدین ترتیب احساسات مردم را تحریک نموده و آتش جنگ برسرقدرت را تیز کند. علی‌رغم شکست تاکتیکی اعتصاب عمومی، جبهه نجات اسلامی پس از برقراری حالت فوق‌العاده در کشور نیز خواهان تداوم اعتصابات شد. از این فراخوان تا زمان تنظیم این نوشته (۱۸ خرداد) استقبال چندانی بعمل نیامده است. تنها در نهادهای وابسته به شهرداریها اختلالات عمده دیده می‌شود، و این بدلیل نفوذ فائقه جریانات بنیادگرا در شوراهای شهرهاست.

مبدا حیات تازه جریانهای اسلامی در الجزایر شورش اکتبر ۱۹۸۸ است. این شورش که در آن حدود ۵۰۰ تن به قتل رسیدند، در این جریانات را تضعیف کند. آنها به کار اجتماعی و فرهنگی رو آورده و فعالیت سیاسی خود را بر شبکه وسیعی از روابط و خدمات اجتماعی و نهادهای فرهنگی و مذهبی متکی ساخته بودند.

پایگاه عمده جریانهای اسلامی در الجزایر همچون بقیه کشورهای اسلامی در میان نیروهایی است که از ساختار سنتی جامعه بدلیل فروپاشی تدریجی این ساختار، کنده شده‌اند، بی آنکه در ساختارهای نوین جایگاهی بیابند. در فاصله سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۳ درصد شاغلین در بخش کشاورزی از ۵۷ درصد به ۲۷ درصد رسیده است. در این فاصله نه روستاها آن چنان رشد اقتصادی داشته‌اند که بتوانند جدید، که در اساس وظیفه پایان دادن به "سوسیالیسم" در الجزایر را بر عهده دارد، قادر نخواهد شد مشکلات اقتصادی کشور را، در ظاهر امر هم که شده، بدان صورت و با آن سرعتی حل کند که مسئله گرانی و بیکاری را مهار نماید. بحران هویت فرهنگی نیز به جای خود باقی است. سیاست عربی کردن - که یک وجه آن ستم به اهالی بربر در کشور بود (۲۰ درصد اهالی) - در عمل آب به آسیاب بنیادگرایان ریخته و تامین کننده یک هویت روشن عربی الجزایری نبوده است. این سیاست به عنوان یک واکنش ناسیونالیستی در برابر فرانسوی مشربی استعماری قادر نبوده است چاره ساز مساله

در خیابانهای الجزیره تانک و زره‌پوش مستقر شده است

اعتراض به بیکاری و گرانی مایحتاج عمومی صورت گرفت. شورش ۱۹۸۸ زنگ خطر را برای حکومت انحصاری "جبهه آزادی بخش ملی" به صدا درآورد. رژیم در سیاست‌های اقتصادی خود که بر آن عنوان "سوسیالیستی" نهاده می‌شد تجدید نظر کرد، فعالیتهای انحصاری دولت در عرصه اقتصاد را محدود کرد و به سرمایه‌ها و ابتکارهای خصوصی میدان داد. در عرصه سیاسی، سیاست لیبرالیزاسیون گام به گام پیش گرفته شد. ابتدا احزاب سیاسی آزاد اعلام شدند و بعد وعده داده شد که به دنبال برگزاری انتخابات مجلس، به حاکمیت تک حزبی "جبهه آزادی بخش ملی" که از زمان استقلال الجزایر (۱۹۶۲) تاکنون قدرت سیاسی را به صورت انحصاری در دست خود داشته، پایان داده شود.

به دنبال آزادی احزاب حدود ۴۰ دسته و گروه و حزب اعلام موجودیت کردند. از میان این گروه‌ها جریانات اسلامی از همه نیرومندتر بودند. بسیاری از آنها عملاز پیش تحت عنوانهای دیگری موجودیت داشتند. ضربه‌ای که رژیم در سالهای ۱۹۸۲و۱۹۸۳ بر جریانات بنیادگرا وارد کرده بود (به صورت دستگیری نسبتا وسیع مسلمانان رادیکال)، نتوانسته بود

پاسخگوی نیاز فزاینده مردم به مواد غذایی باشد و نه شهرها و ساختار صنعتی جامعه آن قدر پیش رفت کرده‌اند که بتوانند خود رشد متوازنی داشته باشندو جمعیت رانده شده از روستا به شهر را جذب کنند. جمعیت کشور با سرعت بالایی در حال افزایش است: در ۱۹۷۰، ۱۳/۴ میلیون نفر، در ۱۹۸۴، ۲۱/۵ میلیون نفر. الجزایر دستخوش دوگانگی فرهنگی است:

فرانسوی مشربی تمام عیار از یک طرف و بنیادگرایی اسلامی از طرف دیگر، از جمله نمودهای این دوگانگی فرهنگی هستند. هویت جامعه متلاطم است. سکولاریسم (جدایی دین و دولت) هیچ گاه در کشور به طور کامل متحقق نشده. "جبهه آزادی بخش ملی" همواره سوسیالیسم خود را "سوسیالیسم اسلامی" نامیده، طبل بر ناسیونالیسم عرب کوبیده و اسلام را ستون اصلی هویت عربی توصیف کرده. اسلام گرایان توانستند بر قانون جدید خانواده که در سال ۱۹۸۲ به تصویب رسید، مهر و نشان خود را بکوبند و نفوذ بالای خود را در دستگاه دولتی، درست در همان هنگامی که پی‌گرد مسلمانان رادیکال در جریان بود، به اثبات برسانند.

تلاطمی که جامعه الجزایر را در برگرفته به سادگی آرام نخواهد گرفت. نخست وزیر

گرایش بخشی از جمعیت به تقلید از شیوه زندگی غربی باشد. بنیادگرایان بر شدت بحران فرهنگی و اجتماعی افزوده‌اند. از ترس قدرت گیری مسلمانان سنتی تعداد کثیری از زنان الجزایری به فرانسه مهاجرت کرده‌اند. سنت گرایی و تجددطلبی نبرد سنگینی را پیش می‌برند.

بنیادگرایان در میان کارگران صنعتی، کشاورزان باسوادو متخصص، کارمندان، نظامیان و روشنفکران پایگاه ضعیفی دارند. در میان این اقشار، خاصه در میان کارمندان و نظامیان، "جبهه آزادی بخش‌ملی"، دارای نفوذ و اعتبار بالایی است. بنیادگرایان نه توانایی آنرا دارند که از طریق شورش و طغیان به قدرت برسندو نه آنقدر نیرومندند که حتی در صورت کسب اکثریت آرا در یک انتخابات، ماشین دولتی را کاملا به تصرف خود درآورند. آنها تاکنون در نبرد قدرت شکست خورده‌اند، اما این بدان معنی نیست که به سادگی چشم از عرصه قدرت بر می‌گیرند. نبرد الجزایر، برای کل جو سیاسی آفریقای شمالی، نبردی تعیین کننده است. اگر بنیادگرایان در الجزایر به قدرت می‌رسیدند، موجی از اسلام گرایی در مغرب عربی به راه می‌افتاد و از آنجا به سوی خاورمیانه سرازیر می‌شد. مهار شدن این موج برای بنیادگرایان یک ضربه سیاسی و روانی بزرگ است.

فرهنگنامه روز

احزاب اسلامی در الجزایر

در انتخابات شهرداریها در الجزایر که در ژوئن ۱۹۹۰ برپا شد احزاب اسلامی اکثریت آرا را بدست آوردند. رشد آنها، در حالی که کمتر از ۲ سال از زمان موجودیت و فعالیت قانونی آنها می‌گذشت، باعث شگفتی شدو بعنوان برآمد تازه‌ای از موج اسلام‌گرایی در منطقه تفسیر گردید. این احزاب خود تبلیغ می‌کردند که در انتخابات مجلس که پیش‌از حوادث اخیر در الجزایر قرار بود در ۲۶ ماه ژوئن برگزار شود - قدرت را به چنگ خواهند آورد و یک رژیم اسلامی برپا خواهند نمود. با این که حوادث چند هفته گذشته، بویژه ناکام ماندن اعتصاب عمومی فراخوانده شده به توسط حزب نجات اسلامی الجزایر و توانایی دولت در مهار بلوای بنیادگرایان، ثابت کرد که در مورد حد قدرت این احزاب غلو شده و الجزایر کشوری نیست که مستعد پذیرش یک رژیم اسلامی باشد، با این وجود مسئله بنیادگرایان تا مدتها مسئله اصلی سیاسی در الجزایر باقی خواهد ماند و برروی جو سیاسی در آفریقای شمالی تاثیرات مهمی به جا خواهد گذاشت.

قوی‌ترین جریان اسلامی در الجزایر جبهه نجات اسلامی است (دارای ۵۵ درصد آرا در انتخابات شهرداری‌ها در سال گذشته) این جریان پس از شورش اکتبر ۱۹۸۸ که علیه فلاکت اقتصادی برپا شده بود، تشکیل گردید. بدنبال این شورش "جبهه آزادی بخش‌ملی" الجزایر بر آن شد که یک سلسله رفرم اقتصادی و سیاسی به اجرا بگذارد و از جمله به حالت تک حزبی پایان دهد.

تا قانون آزادی احزاب اعلام شد حدود ۴۰ حزب تشکیل شدند که هیچ یک نتوانستند همچون جبهه نجات اسلامی در میان مردم ریشه بدوانند. این جبهه بر بنیاد یک شبکه از پیش آماده شده از مساجد، مدارس قرآن، بنگاه‌های خیریه اسلامی و گروه‌های مذهبی تشکیل شدو با بهره گیری از کمک مالی عربستان رشد سریعی یافت. رهبر جبهه نجات شیخ عباسی مدنی (۵۹ ساله) است. مرد شماره دو این جریان علی بلحاج است. جبهه نجات خواهان تشکیل حکومت اسلامی در الجزایر است و به شدت با تجدد مخالف است. جبهه نجات رابطه تیره‌ای با جمهوری اسلامی ایران دارد.

این جریان همواره به شیعه‌گری تاخته و اعلام کرده است که برداشت آن از حکومت اسلامی با برداشت ملایان ایران فرق دارد. قطع کمک عربستان به جبهه نجات اسلامی الجزایر پس از هواداری این جبهه از صدام حسین در ماجرای کویت باعث آن نشد که این جریان لحن خود را نسبت به تهران عوض کند و برهم سنخی خود با فقهای ایران تاکید نماید.

اسلام گرایان الجزایری یک دست نیستند. خود جریان جبهه نجات نیز یک جریان یکپارچه نیست و سران آن تصور همانندی از یک حکومت اسلامی ندارند. پس از "جبهه نجات" نیرومندترین جریان اسلامی، جنبش "حماس" بریاست شیخ محفوظ نحناح است. این جریان دارای یک پز میانه روست و در کنگره نخست خود شعار خویش را "گفتگو و اعتدال" برگزید. جنبش "حماس" اعلام کرده که حاضر است در یک نظام چند حزبی خط خویش را پیش برد و به قوانین دموکراتیک احترام بگذارد.

"حماس" دارای اختلاف دیدگاهی بنیادین با جبهه نجات است. رابطه تهران با "حماس" نه به خاطر قرابت فکری بلکه به خاطر اختلاف جبهه نجات با تهران در ظاهر امر حسنه است. در سفر ماه گذشته یک هیات پارلمانی جمهوری اسلامی به الجزایر به سرپرستی محتشمی، هیات با شیخ محفوظ دیدار کرد.

دیگر جریانهای اسلامی الجزایر همچون جبهه نجات و حماس حالت سراسری ندارند. در میان جریانات منطقه‌ای قویترین جریان حزب نهضت اسلامی است که در شهر کنستانتین در شمال الجزایر بیشترین طرفدار را دارد. این جریان بیشتر به جبهه نجات نزدیک است. آنچه که به جریانات اسلامی در الجزایر قدرت ویژه بخشیده شبکه روابط و خدمات اجتماعی برپا شده از سوی آنهاست. آنها در همه جا مهد کودک، مدرسه، کلاس قرآن، بیمارستان، بنگاه‌های کارگشایی و صندوق قرض‌الحسنه و نهادهای فرهنگی برپا کرده‌اند و از این طریق قادرند مدام با هواداران خود در تماس بوده، آنها را فورا به حالت بسیج درآورند و یا در صورت نبودن شرایط مناسب روال ثابت کار تدریجی نفوذ فرهنگی و اجتماعی را ادامه دهند.

آزادی، مرجعیت مردم و کشاکش در حکومت

الف - مومنی

مواضع طرفین عمدتا مغشوش و پرتناقض است، به گونه‌ای که ترسیم نقاط تمایز و اشتراک آنها در رابطه با مفاهیم ''آزادی'' و ''مرجعیت مردم'' به سختی امکان پذیر است.

رفسنجانی که میان الزامات ناشی از ضرورت بازسازی، جلب حمایت غرب و کسب اعتماد سرمایه‌داران و صاحبان علم و فن از یک سو و موقعیت خود به عنوان رئیس جمهور رژیمی که ولایت فقیه اساس و محور آن است از سوی دیگر، محصور شده است، تنگناهای ساختاری رژیم را به‌خوبی منعکس کرده، محدودیت شدید دیدگاه مبتنی بر ولایت فقیه در پیوند با مفهوم آزادی را به نمایش می‌گذارد.

او می‌گوید: ''احزاب واقعا آزاد هستند و ما هم منتظر هستیم حزبی تشکیل شود، ولی خودشان فعالیت نمی‌کنند، چون حرفی در مقابل نظام ندارند''! اما بلافاصله می‌افزاید: ''باید در جامعه عراق مانند ایران یک **نوع دموکراسی** وجود داشته باشد و همه اقشار مردم بر اساس **انتخابات آزاد** حکومت خود را تعیین کنند... و ''فعالیت نهضت آزادی به خاطر برخی مواضعی که میگرفت و **ولایت فقیه را قبول نداشت**، بر اساس قانون، غیرقانونی اعلام شد.'' از قلب آشکار واقعیت‌ها و ادعای بی‌پایه و جود دموکراسی که بگذریم، این سخنان نشان می‌دهند که آزادی مورد نظر رفسنجانی در بهترین حالت فقط طرفداران ولایت فقیه را شامل میشود و جریانی نظیر نهضت آزادی مهندس بازرگان نیز در محدوده آن نمی‌گنجد.

تناقضات موجود در این سخنان به عملکرد سیاسی رفسنجانی نیز امتداد می‌یابد. او که می‌کوشد گشایش‌های محدود در زندگی اجتماعی و برخی از عرصه‌های فعالیت فرهنگی و هنری مستقل را نادیده بگیرد، آنگاه که پای قدرت به میان میآید با جریانات به شدت ارتجاعی رسالت و جامعه مدرسین قم هم‌پیمان می‌شود، دست در دست شورای نگهبان - که دژ اصلی قشریون مرتجع و مستبد است - می‌نهد، برای حذف رقیبان از کانون های قدرت - مثلا مجلس خبرگان - به رسواترین شیوه‌ها دست می‌یازد، عدم وجود احزاب قانونی در کشور را به فقدان ''حزب در مقابل نظام'' نسبت می‌دهد و استبداد قرون وسطایی را ''دموکراسی'' می‌نامد.

تناقض‌گویی در اردوی مقابل کمتر از ائتلاف مسلط نیست. خوئینی‌ها و اصغرزاده و نظایر آنها با طرح اینکه ''میزان حق و باطل رای مردم است، میزان مشروعیت یک نظام آرا مردم است. و اگر مردم نخواستند بنده باید بروم کنار، نه آنکه اگر بنده نخواستم، مردم باید بروند کنار'' به‌دفاع از اصل ''مرجعیت مردم'' برخاسته، عملا به تجدید نظر در تئوری ولایت فقیه تمایل نشان می‌دهند. آنها در عین حال با تاکید بر ''راه امام'' و مشارکت در اعمال فشار سنگینی که هم‌اکنون بر فعالیت بسیار محدود و فرهنگی دگراندیشان وارد می‌شود و تایید سرکوب آزادیها و مشارکت در آن تناقضات دیدگاهی خویش را به نمایش گذاشته این فکر را تقویت می‌کنند که مطرح شدن ''مرجعیت مردم'' از سوی آنها در نتیجه ملاحظات سیاسی لحظه و با انگیزه مقاومت در مقابل فشار ائتلاف مسلط برای حذف آنها از مراکز قدرت، صورت می‌گیرد.

آشفته فکری در میان محافل تندرو به تناقض‌گویی‌های محفل خوئینی‌ها، اصغرزاده، ولائی، موسوی لاری، عبدی و نظایر آنها که اینک در تحریریه روزنامه ''سلام'' گرد آمده‌اند محدود نمی‌شود و تناقضات بزرگتر در مجموعه طیف ''تندرو'' و در میان محافل مختلف آن رخ می‌نماید. بخش بزرگی از اکثریت ''تندرو'' مجلس که با دفاع از طرح ''اصلاح قانون انتخابات مجلس''، عملا در جهت تخفیف محدودیت‌ها و افزایش ثقل مردم در گزینش نمایندگان گام برداشت، بوسیله چماقداران بدنامی نظیر محتشمی، خلخالی و هادی غفاری نمایندگی می‌شود و کسانی که کف برلب علیه هر نوع دگراندیشی فریاد می‌زنند، شکستن بیش از این قلم‌ها و بستن باز هم بیشتر دهانها را مطالبه می‌کنند، و در نشریاتی نظیر کیهان هوایی و کیهان روزانه با راست‌ترین محافل وابسته به رسالت برای ایجاد خفقان بیشتر همصدا می‌شوند، در شمار شاخص‌ترین چهره‌های این جریان هستند.

هر دو جناح رژیم درک میکنند که ''دموکراسی'' چشم اسفندیار حکومتی است که مشروعیتش را در آسمان می‌جوید. جناح مسلط می‌کوشد با گشودن برخی منافذ، در وقیپردازی‌های عوامفریبانه و رنگ و لعاب زن بر چهره مستبد رژیم، این نقطه ضعف اساسی را بپوشاند. جناح مقابل اما، به همان نسبت که از حضور موثر در کانون های اصلی قدرت نومیدتر می‌شود، انگشت نهادن بر این نقطه حساس را اجتناب ناپذیرتر و وسوسه‌کننده‌تر می‌یابد.

این حقیقت که اعمال فشار به این نقطه، در نگاهی نه کوتاه‌مدت، می‌تواند به ''نابودی نظام'' منجر شود، هر دو جناح را به وحشت افکنده، هر گام به پیش را اگر نه با دو گام - که حداقل با نیم گام به پس همراه ساخته، ضرورت مصالحه و عدم ورود به منطقه ممنوعه را به طرفین یادآور می‌شود. سخن احمد خمینی مبنی بر اینکه هر دو جناح به این نتیجه رسیده‌اند که نمی‌توانند یکدیگر را حذف کنند، شاید در این رابطه مفهوم مشخص‌تری بیابد.

تناقض شدید میان تئوری ''ولایت فقیه'' که میراث اصلی خمینی است، با اصل ''مرجعیت مردم''، سبب می‌شود که بویژه در شرایط به شدت متحول کنونی، دفاع همزمان از ''راه امام'' و ''مرجعیت مردم'' به سرعت دشوار و ناممکن گردد. این امر محافل تندرویی را که می‌خواهند ضمن میراثداری خمینی، خود را مدافع ''مرجعیت مردم'' معرفی کنند، در تنگنای جدی قرار داده، انتخاب را ناگزیر می‌سازد، گزینش ''راه امام'' خواه ناخواه به تبعیت از ائتلاف مسلط منجر می‌شود و انتخاب ''مرجعیت مردم'' و پافشاری بر آن، به صفوف اپوزیسیون راه می‌برد. آینده نه‌چندان دور نشان خواهد داد که آیا همه جریانات تندرو مسیر واحدی را برمی‌گزینند و یا پیش‌بینی فرزند خمینی تنها شامل بخشی از تندروها خواهد شد. اما در هر حال پیگیری تحولاتی که در محافل تندرو می‌گذرد و گشودن باب دیالوگ با آن بخش از محافل و عناصر تندرو که بر ''مرجعیت مردم'' پای می‌فشارند و اینجا و آنجا نمودهایی از درک رابطه ''آزادی'' و ''عدالت'' بروز میدهند، بویژه امروز که آلترناتیو ''راست'' تحت رهبری رفسنجانی با شتاب سامان می‌یابد، برای اپوزیسیون چپ و دموکرات در یک چشم‌انداز بلندمدت واجد اهمیت است.

حدت، میزان و عواقب پیشروی جناحین در تقابل پیرامون ''آزادی'' و ''مرجعیت مردم'' هر چه باشد، در این کشاکش اجتناب ناپذیر، نه فقط رازتبهکاری‌های بسیاری از پرده برون می‌افتد، بلکه امکانات تازه و تازه‌تری برای اپوزیسیون اصیل، دموکرات و مترقی که به کار اشاعه فرهنگ دمکراتیک و پیکار در راه آزادی و دموکراسی مشغول است فراهم می‌آید، تا در تسخیر افکار عمومی و زدودن خرافاتی که منشاء تغذیه استبداد مذهبی است، بیش از پیش توفیق بیابد.

یادداشت اقتصادی

مشاغل کاذب: پدیده ناهنجار اقتصاد کشور

بهروز خلیق

در طول حاکمیت جمهوری اسلامی پدیده‌های ناهنجار بسیاری در عرصه اقتصادی شکل گرفته و تاثیرات مخربی بر اقتصاد کشور و ارزش‌های اجتماعی گذاشته‌اند.

یکی از این پدیده‌های ناهنجار پیدایش و رشد سرطان وار مشاغل کاذب است. گرچه این پدیده قبل از انقلاب بهمن نیز وجود داشت ولی ابعادیکه این پدیده بعد از انقلاب پیدا کرده‌است، قابل قیاس با دوره قبل نیست. ارقام این مسئله را تایید می‌کند. رقم مشاغل غیرتولیدی و کاذب در طی سال‌های ۶۵ - ۱۳۵۵ حدود ۷/۵ برابر افزایش یافته است یعنی از رقم ۹۸۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است (روزنامه کیهان - ۱۵ دیماه سال ۱۳۶۹).

مشاغل کاذب به شغل‌هایی گفته میشود که نقشی در تولید و در خدماتی که مورد نیاز مردم است، ایفا نمی‌کنند. مشاغلی نظیر: کوپن فروشی، ارز فروشی، سیگار فروشی، دستفروشی، دوره‌گردی، واسطه‌گری و دلالی. ابعاد مشاغل کاذب در جامعه ما گسترده‌تر و فراگیرتر از موارد بالاست و تنها در مقوله‌ای بنام خرید و فروش خلاصه نمی‌شود. با کاهش امکانات دولتی در ارائه خدمات عمومی زمینه برای رشد این پدیده در خدمات نیز بوجود آمده است. نمونه این مسئله را می‌توان در فروش بلیط هواپیما و سایر وسائل نقلیه، مشاهده کرد. عده‌ای بلیط هواپیما را با قیمت رسمی می‌خرند و در بازار سیاه به قیمت بالا می‌فروشند.

این مولود نامیمون زاییده وضع اقتصادی و اجتماعی بعد از انقلاب و سیاست‌های رژیم جمهوری در طی ۱۲ سال اخیر است. بعد از انقلاب موانع زیادی در مقابل رشد تولیدات صنعتی بوجود آمد در حالیکه راه برای فعالیت‌های تجاری، دلالی و واسطه‌گری وسیعا باز شد و نیروی کار و سرمایه‌های عظیمی در این بخش متمرکز گردید. مناسبات سرمایه‌داری در ایران در دوره بعد از انقلاب در وجه غالب در بخش تجارت و خدمات رشد کرده ونتایج فوق‌العاده زیانباری را در بافت اقتصادی - اجتماعی جامعه بوجود آورده است.

رشد بی‌رویه مشاغل کاذب را علاوه بر عامل اصلی که در بالا ذکر شد میتوان در عوامل مشخص نیز جستجو کرد. یکی از این عوامل عدم تعادل در رشد شهر و ده و فاصله قابل توجه بین درآمدهای شهری و روستایی است. روستاهای کشور به علل مختلف قادر نیستند که تماما نیروی کار را حفظ کنند. در طی دهه‌های اخیر موج مهاجرت از روستاها به شهرها به پدیده رایج تبدیل شده است. ولی بخش‌های تولیدی در شهر قادر به جذب ایجاد نیروی کار نیستند. در دوره بعد از انقلاب میزان تولیدات صنعتی شدیدا پائین آمده و اشتغال در بخشهای صنعت و معادن کاهش یافته است.

میزان اشتغال در بخش صنعت از یک میلیون و ۶۷۲ هزار نفر در ۱۳۵۵ به یک میلیون و ۴۵۱ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ و اشتغال در بخش معدن از ۹۰ هزار نفر به ۳۲ هزار نفر تقلیل یافته است. در بخش ساختمان و مسکن در طی این دوره مقدار اندک یعنی حدود ۲۰ هزار شغل جدید ایجاد شده است. بنابراین بخش صنعت و معادن نه تنها قادر به جذب نیروی کار سرریز شده از روستا به شهر نبوده، بلکه خود بر میزان نیروی بیکار افزوده‌است.

این پدیده مختص کشور ما و دوره ما نیست. در اروپا در دوران انقلاب صنعتی به‌دلایل رشد صنعت و شهرها عده‌ای از دهقانان از روستاها کنده شده و برای پیداکردن کار و زندگی بهتر به سوی شهرها سرازیر و در صنایع مشغول کار می‌شوند. این نیروی کار ارزان به موتور محرکه صنعت و پیشرفت اقتصادی در اروپا تبدیل شده. ولی در کشور ما این نیروی مهاجر نه به موتور محرکه پیشرفت اقتصادی بلکه به عامل مخرب در اقتصاد کشور تبدیل شده‌است.

اکثر دهقانان، فاقد زمین و یا کم زمین هستند. آنها در روستا قادر نیستند معاش خانواده خود را تامین کنند. بعلاوه آنها، یکسال در سرما و گرما در روستاها جان میکنند ولی درآمد سالانه‌اشان کمتر از درآمد ماهانه یک ارزفروش و سیگارفروش خیابانی در شهر است. به همین خاطر آنها دلیلی برای ماندن در روستا نمی‌یابند. می‌توان بجای طاقت فرسا در روستا به کار راحت در شهر روآورد و درآمد زیادی را که قابل قیاس با روستا نیست کسب کرد.

عملکرد بخش خصوصی در طول حکومت جمهوری اسلامی، عامل موثری در رشد مشاغل کاذب بوده‌است بدلیل سودهای سرشار در بخش تجارت و بازرگانی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی کاهش یافته و هجوم سرمایه‌ها و نیروی کار به بخش‌های غیر تولیدی تشدید یافته است. بر اساس آمار موجود ۴۵۳ هزار فرصت جدید شغلی که در طی سالهای ۶۵-۱۳۵۵ توسط بخش خصوصی ایجاد شده است همگی خصلت خدماتی دارند. فارتگران برای رسیدن به ثروت‌های افسانه‌ای نیاز به سیستمی از مشاغل کاذب دارند. دلالان کلان برای زراندوزی به هزاران نفر احتیاج دارند تا ازرهای آنها را در چهارراه‌ها و پیاده‌روها و یا دکه‌ها و معازه‌ها بفروشند. عمده‌فروشانی که سیگار را از سازمان دخانیات کشور می‌خرند برای بدست آوردن سودهای کلان به شبکه‌ای از سیگار فروش احتیاج دارند. در حقیقت سیستم فعلی فعالیت بخش خصوصی در کشور زاییده مشاغل کاذب است.

سیستم توزیع دولتی و فساد اداری نیز در گسترش مشاغل کاذب موثرند. دولت ظاهراً بخش عمده تجارت خارجی و توزیع بخشی از کالاها را به عهده گرفته است تا به اقشار کم درآمد کمک کند ولی عملا کالاهای ضروری مردم سر از بازار آزاد در میآورد و به قیمت‌های کلان فروخته می‌شود. نمونه این مسئله را می‌توان در مورد کالاهای کوپنی مشاهده کرد. مدتهاست که کالاهای کوپنی در مغازه‌ها پیدا نمی‌شود و کوپن روی دست مردم میماند ولی کالاهای کوپنی را در بازار آزاد بوفور میتوان پیدا کرد. کوپن نیز بعنوان یک کالا در بازار خرید و فروش میشود و به شغل روزمره هزاران نفر تبدیل شده‌است.

در واقعیت امر فارتگری تجار و دلال‌ها و واسطه‌ها با عملکرد بخش دولتی و مشاغل کاذب درهم تنیده شده و به یک سیستم در اقتصاد کشور تبدیل شده‌اند که از همدیگر تغذیه می‌کنند و بر هم تاثیر می‌گذارند. بخش دولتی و بخش خصوصی دست در دست هم داده این پدیده ناهنجار را بوجود آورده‌اند.

بیکاری فزاینده در کشور و رشد شتابناک جمعیت، نیز در شرایط کاهش اشتغال صنعتی در رشد مشاغل کاذب موثرند. جمعیت شهری در دوره ده‌ساله ۶۵ - ۱۳۵۵ سالانه ۵/۴ درصد افزایش یافته است. این امر نشانه گسترش شهرها بدون ایجاد اشتغال مولد است.

دارندگان مشاغل کاذب تنها روستائیان مهاجر را در بر نمی‌گیرد. در میان آنها همه‌گونه آدم می‌توان مشاهده کرد: پیر، جوان، دیپلم، معلم، کارمند، لیسانس، دکتر و... زمانی که درآمد ناچیز کارمندان و معلمین خرج رو به افزایش زندگی‌شان را تامین نمی‌کند اجبارا به شغل‌های کاذب روی میآورند. خیل عظیم تبلمه‌هایی که جذب دانشگاه و بازار کار مولد نمی‌شوند الزاما به سوی شغل‌های انگلی سرازیر می‌شوند.

بعلاوه درآمدهای بالای مشاغل کاذب جاذبه‌های قوی را در جامعه ما بوجو دآورده است. درآمد کارمندان، معلمین، مهندسین و استادانی که عمری را زحمت کشیده‌اند و تخصصی را فراگرفته‌اند قابل قیاس با درآمد ارزفروشان، دلالان، واسطه‌گران و بعضا دست‌فروشان و سیگارفروشان نیست. به‌نوشته روزنامه کیهان سیگارفروشان جزء در روز حداقل هزار تومان درآمد دارند. یعنی ماهیانه حدود ۳۰ هزار تومان. در حالیکه درآمد حقوق بگیران کشور به‌مراتب پایین‌تر از این رقم است. به‌همین خاطر بخشی از نیروی تحصیل کرده کشور به‌جای اشتغال در کارهای تولیدی به دلالی و واسطه‌گری و دیگر شغل‌های کاذب روی می‌آورند.

رشد مشاغل انگلی نه‌تنها در اقتصاد کشور بلکه در عرصه‌های اجتماعی نیز تاثیرات ویرانگر گذاشته است. این تاثیرات را بوضوح می‌توان در رشد فساد و در تخریب ارزش‌های اجتماعی مشاهده کرد. طبیعت مشاغل کاذب باوجدان کار و رعایت حقوق دیگران و ارزش‌های اجتماعی هم‌خوانی ندارد و بر کلاشی، کلاهبرداری و نقض مداوم حقوق دیگران همراه است. امروزه در جامعه ایران بوفور میتوان این پدیده‌های ناهنجار را مشاهده کرد که لازمست به آنها جداگانه پرداخته شود.

باخوانندگان

جمهوری اسلامی و روندهای فرهنگی و هنری

لیما

...مسئولین فرهنگی رژیم بر این باورند که تمدن اسلامی در ذات خود بعد هنری تجزیه ناپذیر دارد. آنها تاکنون نپذیرفته‌اند که مردم ایران دارای فرهنگ و تمدن ایرانی می‌نامند. سران رژیم همه آنهایی را که غیر از آن چیزی می‌اندیشند که متعلق به ۱۴۰۰ سال پیش عربستان سعودی است، بریدگان از فرهنگ خود و یا مسحور شدگان فرهنگهای مسلط دیگر در جهان می‌دانند و فراموش می‌کنند بگویند خود از باصطلاح فرهنگی دفاع می‌کنند که متعلق به دیگران است نه متعلق به ایرانیان .

هنر مورد نظر آقایان هم با فرهنگ فنی و دیرپای ایرانیان ''که جزء معدود کشورهای دارای فرهنگ فنی و تاریخی مانند هند و یونان باستان می‌باشد'' و هم با فرهنگ و هنر جهان معاصر سر ناسازگاری دارد.

رژیم برای جا انداختن فرهنگ اسلامی مورد نظر خود بر جامعه غیر از صرف میلیاردها تومان پول و تصفیه دستگاه دولتی از هنرمندان و روشنفکران، سعی ورزیده است، یک جریان هنری با پشتوانه قوی را جهت مقابله با صاحبان فرهنگ و هنر ایران سازمان دهد. این تلاش رژیم تاکنون ثمره‌ای برایش ببار نیاورده است. هنرمندان ایران ''به جز معدودی هنرمند کم تجربه و جوان که تناقضات عدیده‌ای با خود حمل می‌کنند و به محض تماس جدی با فرهنگ تاریخ معاصر ایران و فرهنگ جهانی از رژیم و فرهنگ ارتجاعی مورد قبول آن فاصله می‌گیرند.'' جذب دستگاه رژیم ارتجاعی وضد مردمی نشده‌اند.

اساسا هنر اسلامی مورد نظر سران رژیم با روح و روان مردم ایران سر سازگاری ندارد و با زندگی توده‌ها تماس نمی‌گیرد، زیرا تعزیه گردانی و موعظه را مردم هیچگاه بعنوان هنر نمی‌پذیرند و از آنجا که رژیم هنر را به عنوان وسیله‌ای برای تبلیغات علیه دشمنان خود می‌داند و از آن انتظار دارد که صرفا ادامه حکومت رژیم فقها را به مردم تلقین نماید، عملا چنین هنری قادر به جذب مردم نخواهد شد و صرفا بصورت ابزاری در دست رژیم خواهد بود که توده‌ها به حق از آن جز با تنفر بدیده دیگری نخواهند نگریست.

...رژیم طی سالهای حکومت خود قادر نشده و نیز قادر نخواهد شد در شرایط حضور و نفوذ نویسندگان، شعرا و ادبا و هنرمندان دمکرات و میلیونها روشنفکر در سراسر کشور به اهداف ضد فرهنگی و ارتجاعی‌اش دست یابد.

رژیم خود نیز طی این سالها به‌چنین نتیجه‌ای دست یافته و لذا تلاش میورزد که بنوعی از بن بستی که در آن گرفتار آمده است رهاشود. در این ارتباط سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی تحت فشار ادب دوستان و در اثر فعالیتهای آنها در داخل وخارج کشور کنگره‌ای به مناسبت هزاره سرایش شاهنامه فردوسی شاعر بزرگ و ملی ایرانیان بر پا کرد. این اقدام از جانب رژیمی که با فرهنگ ملی ایرانیان سر ستیز دارد و خود، ۱۱ سال، فردوسی شاعر بزرگ و ملی ایرانیان را مورد بی مهری قرار داده و از هیچ توهین و افترائی در حق او خودداری نکرده بود، عجیب می‌نمود. مسلم است که این تغییر رویه از سوی جمهوری اسلامی و تظاهر آن به بزرگداشت بزرگان فرهنگ و ادب ایران به‌قصد جلب افکار عمومی ایرانیان صورت می‌گیرد. هدف رژیم در عین حال این است که از فرصتهای بدست آمده استفاده کرده به ایجاد فرهنگی التقاطی که هم اسلامی باشد و هم ظاهرا ملی باشد، اقدام کند تا منبعد، کمتر مورد حمله ادب دوستان قرار گیرد. عقب نشینی رژیم در مقابل خواستها وتمایلات نویسندگان، ادیبان وشعرا و دوستداران فرهنگ فنی سرزمینمان دستاورد بزرگی برای جنبش مردمی و آزادیخواهانه ایران است. با استفاده‌از امکانات بدست آمده اکنون ادبا و نویسندگان کشور ما باتخصصی در آثار مشاهیر ادب ایران و برگزاری اجلاسها وسمینارها و کنگره‌ها در حفظ هویت ملی ایرانیان در مقابل رژیم فرهنگ ستیز حاکم همه توان خود را بکار میگیرند.

...در حال حاضر همه واقعیات حاکی از آن است که رژیم فقها گام به گام و مرحله به مرحله بناچار پذیرفته است که قادر نیست خواب وخیالهای ارتجاعی وضد فرهنگی وضد مردمی خود را به اجرا درآورده و مانع از نشر واشاعه اندیشه‌های دمکراتیک و ترقیخواهانه ''که مغایر با اندیشه‌های اسلام فقاهتی رژیم است'' شود.

رژیم شاه نیز در دهه ۴۰ و ۵۰ متدی مشابه ج-ا را بکار گرفته بود. در آن مقطع تلاشهای ساواک و دستگاههای عریض وطویل باصطلاح فرهنگی رژیم برای کنترل شهروندان واشاعه فرهنگ حکومتی که صرفا حربه‌ای برای تبلیغ رژیم شاهنشاهی بودند به جائی نرسید. باوجود همه موانعی که رژیم سلطنتی بر سر راه شهروندان ایجاد کرده بود در آن سالها نیروی عظیمی از روشنفکران پا به میدان گذاشته و با خلق آثار هنری بی بدیل به رژیم شاه و اعوان و انصارش نه گفتند ونسل جدیدی از مبارزین انقلابی را برای جامعه ایرانی تربیت نمودند که پیوند مبارزه آنها با مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران در سال ۵۷ منجر به سرنگونی رژیم شاهنشاهی گردید.

روندهای جاری در ایران نیز بار دیگر این تجربه را که با هنر نمی‌توان به عنوان حربه‌ای برای تبلیغات برخورد کرد ثابت می‌نماید.

پاسخهای کوتاه

دوستان گرامی:

□گلی. آ. آلمان - متاسفانه اخبار ارسالی شما در مورد ''جنبش انقلابی ترکمن های عراق'' فاقد نسخه‌ء اصلی بود و امکان تحقیق در مورد آنها را ناممکن می‌ساخت. درخواست ما این است که در اینگونه موارد متن اصلی را که خبر یا مقاله از آن گرفته شده، برای ما ارسال دارید. نواقص نشریات ارسالی برای شما را به اطلاع بخش توزیع رساندیم. جا افتادگی دنباله‌ء مقاله شماره‌ء ۴ اشتباه در کار صفحه بندی بوده است و بالاخره همانگونه که می‌بینید صفحه‌ء ''با خوانندگان'' تعطیل نشده است.

□صادق. امریکا - نامه‌ء شما را - در مورد عدم دریافت نشریه در اختیار بخش توزیع قرار دادیم. این بخش مستقیما نامه برای شما ارسال داشته است.

□فرزین. فرانکفورت. آلمان - همانگونه که خود نوشته‌اید نامه‌ء واحدهای سازمان، جمهوری خواهان ایران، حزب دموکراتیک و سازمان فدائیان خلق در فرانکفورت به‌گنشور وزیر خارجه‌ء آلمان، دیر به دست ما رسید و بهمین دلیل نیز تازگی و موضوعیت خود را برای درج در نشریه از دست داد.

□ج. مفرد. آلمان - مقالات شما به نام ''مقولاتی در تاریخ اساطیری بنی اسرائیل'' و ''سیبریه باستانی، سرزمین کیمریان آریایی'' به دست ما رسید. متاسفانه توضیحی همراه این مقالات نبود که ما را متوجه مقصود از ارسال آنها کند. اگر هدف آگاهی ما بوده است که کمال تشکر را داریم، اما اگر برای درج در نشریه بوده، همانگونه که در پاسخ قبلی اشاره کردیم، کارهای شما بدلیل جنبه‌های تخصصی بسیار آن، با چارچوبه‌ء فعلی نشریه‌ء ما وصفحات آن هم خوانی ندارد و از اینرو با وجود آگاهی به ارزش آنها، متاسفانه ما از چاپ چنین مقالاتی در شرایط فعلی معذوریم. امیدواریم همکاری شما با ما با ارسال مقالاتی که برای طیف خوانندگان وسیع تری قابل استفاده باشد، ادامه یابد.

□پوران. گ - درخواست شما را برای رسیدگی در اختیار شورای مرکزی سازمان قرار دادیم.

□فرهاد. امریکا - گزارش ارسالی شما از سخنرانی محمود دولت آبادی در دانشگاه لوس آنجلس را در اختیار بخش هنری نشریه قرار دادیم، تا به صورت مطلوب از آن استفاده شود.

□گورگدلی. سوئد - نامه شما دریافت شد. اعلامیه کانون فرهنگی وسیاسی خلق ترکمن را در اختیار بخش ''خبرها و نظرها'' قرار دادیم تا مورد استفاده قرار گیرد.

□نورالله. فرانسه - مواضع سازمان در مورد جمهوری اسلامی، جبهه متحد و اتحاد باسایر گروهای سیاسی، تحولات کشورهای اروپای شرقی و مسائل دیگر در گزارشها و اطلاعیه‌های شورای مرکزی و هم چنین مقالات نشریه کار درج می‌شود. تقاضای شما را برای اشتراک نشریه در اختیار بخش توزیع قرار داده‌ایم. با دریافت نشریه کار میتوانید بطور دقیق در جریان مواضع سازمان ما قرار گیرید.

□محمد رضا. ر. سوئد - متاسفانه نامه شما بعد از تاریخ ۴/۱۹ بدست ما رسیده است. بااین وجود تقاضای شما را در اختیار مسئولین واحد سوئد قرار دادیم تا اگر کمکی از دستشان برآید، انجام دهند.

□وحید. ص. سوئد - کتاب اسناد و مباحثات کنگره اول سازمان در دست چاپ است و امیدواریم در روزهای آتی، انتشار یابد.

□محمود. س. هلند. علی. ف. آلمان - تقاضای شما برای اشتراک نشریه را در اختیار بخش توزیع قرار دادیم. کتاب کنگره به‌زودی منتشر می‌شود، اما برای ما متاسفانه در شرایط فعلی امکان ارسال نشریات گذشته وجود ندارد.

□پژمان. بلژیک - مطلب کوتاه ''همراهی مطبوعات غربی با امریکا'' نخستین نامه است که از شما به دست ما رسیده است. ما آدرس شما را در اختیار بخش ترجمه نشریه قرار می‌دهیم تا در صورت تمایل شما، همکاری مفیدتری برقرار شود

□علیرضا. ب. زوریخ - ما اخیرا کتابی برای فروش عرضه نکرده‌ایم.

□ج. تبال نژاد (نروژ) - کریمی (آلمان). نامه‌های شما را در اختیار بخش توزیع قرار دادیم.

***

توضیح:

مقاله ''حق تعیین سر نوشت در لفافه خط مشی سیاسی'' درج در کار شماره ۷، نوشته‌ء همکار گرامی ما فرهاد کشتمند بوده است، که متاسفانه نام ایشان از قلم افتاده بود.

توضیح و درخواست!

نشریه کار قصد دارد پیشنهادات، انتقادات و نظرات خوانندگان خود را در این ستون درج نماید. برای بهتر شدن کار، خوانندگانی را که برای ما نامه می‌نویسند به رعایت نکات زیر دعوت می‌کنیم:

۱- به دلیل محدودیت جا، تقاضا داریم نامه‌های خود را خلاصه بنویسید و در صورت امکان برای نوشته خود نامی نیز انتخاب کنید. سرویس ''با خوانندگان'' حق خلاصه کردن نامه‌های مطول را برای خود محفوظ خواهد داشت.

۲- در نامه‌های خود به مسائلی بپردازید که برای سایر خوانندگان نیز مفید باشد.

۳- برای خود حتما یک نام - واقعی و یا مستعار - انتخاب نمائید. اسم و آدرس خود را علاوه بر پشت پاکت در پائین نامه نیز قید کنید.

۴- برای تسهیل کار دسته بندی و آرشیو، لطفا نامه‌های خود را روی کاغذ به قطع A۴ برای ما ارسال دارید.

۵- برای ما امکان پس فرستادن مطالب رسیده وجود ندارد. در صورتی که به نسخه اصلی مطلب خود احتیاج دارید، یک نسخه خوانا از فتوکپی آن را ارسال دارید.

با تشکر سرویس ''با خوانندگان''

در گرامیداشت حکیم نظامی گنجوی

امسال، نهصدمین سال تولد سخنور بزرگ فارسی، حکیم نظامی گنجوی است. حکیم نظامی با خلق کلیات خمسه که شامل ''مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندر نامه'' است، شعر و ادب فارسی را عروج تازه‌ای بخشید. او با این آفرینش بزرگ به انسان ها امید می‌دهد که فرجام پیکار خیر با شر و انسان عاشق هدفمند با سبعیت حکام هوسران، پیروزی انسان و اهداف انسانی است.

به مناسبت بزرگداشت یاد حکیم نظامی گنجوی، قسمت هایی از ''مناظره خسرو با فرهاد'' برگرفته از دفتر شعر خسرو و شیرین کلیات خمسه را برگزیده‌ایم که در آن حکیم، پیش از حک شکست خسرو پادشاه از فرهاد تیشه‌زن. صخره‌های بیستون، طی مناظره‌ای پیروزی پیشاپیش این عاشق خردمند بر سلطان ریاکار و تنگ نظر را نوید می‌دهد.

مناظره خسرو با فرهاد

نخستین بار گفتش کز کجایی — بگفت از دار ملک آشنایی.
بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند — بگفت اندوه خرند و جان فروشند
بگفتا جان فروشی در ادب نیست — بگفت از عشقبازان این عجب نیست
بگفت از دل شدی عاشق بدینسان؟ — بگفت از دل تو میگویی من از جان
بگفتا عشق شیرین بر تو چونست — بگفت از جان شیرینم فزونست
بگفتا هر شبش بینی چو مهتاب — بگفت آری چو خواب آید کجا خواب
بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک — بگفت آنگه که باشم خفته در خاک
بگفتا گر خرامی در سرایش — بگفت اندازم این سر زیر پایش
بگفتا گر کند چشم تر ایش — بگفت این چشم دیگر دارمش پیش
بگفتا گر کشش آرد فراچنگ — بگفت آهن خورد دور خود بود سنگ
بگفتا گر نیایی (نجویی) سوی او راه — بگفت از دور شاید دید در ماه
بگفتا دوری از مه نیست در خور — بگفت آشفته از مه دور بهتر
بگفتا گر بخواهد هر چه داری — بگفت این از خدا خواهم بزاری
بگفتا گر بسر یابیش خوشنود — بگفت از گردن این وام (دام) انگنم دوش
بگفتا دوستیش از طبع بگذار — بگفت از دوستان ناید چنین کار
بگفت آسوده شو کاین کار خامست — بگفت آسودگی بر من حرامست
بگفتا رو صبوری کن درین درد — بگفت از جان صبوری چون توان کرد
بگفت از صبر کردن کس خجل نیست — بگفت ایندل تواند کرد دل نیست
بگفت از عشق کارت سخت زار است — بگفت از عاشقی خوشتر چه کار است
بگفتا جان مده بس دل که با اوست — بگفتا دشمنند این هر دو بیدوست
بگفتا در غمش می‌ترسی از کس — بگفت از محنت هجران او بس
بگفتا هیچ همخوابیت باید — بگفت ار من نباشم نیز شاید
بگفتا چونی از عشق جمالش — بگفت آنکس نداند جز خیالش
بگفت از دل جدا کن عشق شیرین — بگفتا چون زیم بی جان شیرین
بگفت او آن می‌شد زو مکن یاد — بگفت این کی کند بیچاره فرهاد
بگفت ار من کنم در وی نگاهی — بگفت آفاق را سوزم به آهی
چو عاجز گشت خسرو در جوابش — نیامد بیش پرسیدن صوابش
بیاران گفت کز خاکی و آبی — ندیدم کس بدین حاضر جوابی
بزر دیدم که با او بر نیایم — چو زور ش نیز بر سنگ آزمایم

ماهنامه ''آرش''

چهارمین شماره مجله آرش به مدیریت پرویز قلیچ خانی و زیر نظر شورای نویسندگان در پاریس انتشار یافت.

فضای فرهنگی ایرانیان خارج از کشور، نیاز گسترده حضور نشریات گوناگون اجتماعی - فرهنگی را بیش از پیش ضرور ساخته است. با درک چنین ضرورتی است که ''آرش'' گامهای نخستین خود را برمیدارد و میخواهد - در راستای نشریاتی از ین دست، در پاسخ به نیازی مبرم، سهمی شایسته داشته باشد. ازین رو در شماره سوم خود در سخن آشنا از ''همه عزیزان اهل قلم، اندیشمندان و پژوهشگران و شاعران و نویسندگان دعوت به همکاری نزدیک می کند'' مضامین زیر، بخشی از مطالب چهارمین شماره آرش است. قدرت و امر سیاست و کشورداری در شاهنامه: باقر پرهام. بزرگداشت هزاره تدوین شاهنامه در پاریس: م. پگاه. یادداشت هایی در باره فرهنگ اسلامی: آنتونیو گرامشی. درباره خلیج فارس: گفتگو با دکتر خسرو شاکری. ''کنیزو'' در تلاقی لیبدو و نیستی. شعرهایی از: حسن حسام. رضا مقصدی. کیان وش شمس الحاق. محمود فلکی.

آیا خاورمیانه زیر سلطه مطلق غرب می‌رود؟

سهراب مبشری

بقیه از صفحه ۱۰

یهودیان خود اجازه مهاجرت به اسرائیل را می دهد. این مهاجرین، حتی اگر در مناطق اشغالی اسکان داده نشوند (که می‌شوند)، ادعای اسرائیل بر این مناطق را تقویت می‌کنند. اخیرا بسمرتنیخ وزیر خارجه شوروی به بیت‌المقدس رفت. باید انتظار داشت روابط کنسولی دو کشور به سطح روابط کامل دیپلماتیک نیز ارتقا یابد.

"نظم نوین جهانی" در خاورمیانه

جنگ خلیج فارس نشان داد به همان اندازه که از نفوذ شوروی در منطقه کاسته شده، آمریکا امکانات بیشتری برای دخالت و تاثیرگذاری در روندهای این بخش از جهان یافته است. هر چند ایالات متحده و متحدانش در جنگ با عراق ظاهرا به نمایندگی از سوی سازمان ملل عمل کردند، اما قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد بحران کویت عملا بازتاب بی‌خدشه‌ای از اهداف و مقاصد واشنگتن بود. آمریکا در موضع‌گیری‌های رسمی خود برای دخالت و حضور فعال‌تر در منطقه، انگیزه‌هایی مانند دفاع از قوانین بین‌المللی و رفع تجاوز را برمی‌شمارد تا بتواند کماکان پوشش مشروعیت این فعالیت را حفظ کند. جرج بوش در نطق خود طی اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در اکتبر ۱۹۹۰، چند هفته پس از اشغال کویت توسط عراق و آغاز لشکرکشی غرب به منطقه گفت: "تجاوز فعلی نه تنها امنیت یک منطقه، بلکه امیدهای آتی سراسر جهان را تهدید می‌کند. این تجاوز میتواند رویای یک نظم نوین بین‌المللی را به کابوس وحشتناکی از هرج و مرج تبدیل کند، کابوسی که در آن قانون جنگل جای قوانین بین المللی را می‌گیرد."

در ماه‌های اخیر در این مورد بسیار سخن رفته است که مشخصات "نظم نوین جهانی" کدامند. کلی گویی درباره همکاری میان ملت‌ها، افزایش نقش سازمان‌های بین‌المللی، حاکمیت قانون، عصر دمکراسی، صلح، آزادی، ثبات، خلع سلاح، رفاه، مرزهای باز و مسابقه اندیشه‌ها، پاسخ به این سئوال نیست. هر کس از "نظم نوین جهانی" سخن می‌گوید، باید تصریح کند که این نظم نوین، با عمده‌ترین مسائل بشریت، و قبل از همه فاصله فزاینده کشورهای صنعتی و جهان سوم، چه خواهد کرد. تا وقتی این فاصله وجود داشته باشد، طبیعی است که این یا آن کشور جهان سوم به محض دستیابی به حداقل امکانات اقتصادی و نظامی دست به تلاش برای نیل به موضعی بهتر در نظام نابرابر جهانی بزند، و طبیعی است که دیکتاتورهایی مانند صدام حسین افراض شخصی و در بهترین حالت ملی-شووینیستی خود را به پوششی از تبلیغات به مثابه "پرچمدار جنوب" بیارایند.

برای پی بردن به پاسخی که ایالات متحده به پرسش در مورد مشخصات "نظم نوین" می‌دهد، باید نه به سخنرانی‌های مقامات دولت آمریکا در مجامعی مانند سازمان ملل، بلکه به عملکرد این دولت در بحران خلیج فارس نگریست. بحرانی که راه‌حل‌های غیرنظامی داشت، به اصرار و تحت فشار واشنگتن بالشکرکشی و جنگ "حل" شد. آمریکا با زیر تصاویر سربازان عراقی که هنگام تسلیم دست و پای نظامیان غربی را می‌بوسیدند، به جهان می‌گوید که جزپذیرفتن همین نظم و همین سلسله مراتب قدرت در دنیای امروز، راهی نیست. پیام سازمان دهندگان جنگ خلیج فارس و تبلیغات همراه آن به انکار عمومی "شمال جهان" نیز این است: این توده‌های عقب‌مانده و رهبران عقب‌مانده‌شان را بنگرید. اینها خطر اصلی برای رفاه، امنیت و آسایش شمایند. ما می‌توانیم با جنگ‌های محدود، جنگ‌هایی که در آن صدها هزار را می‌کشیم و دویست تن بیشتر کشته نمی‌دهیم، این خطر را دفع کنیم.

جنگ خلیج فارس نشان داد این انتظار که اروپا بتواند به عنوان یک عامل تبدیل و تصحیح، بر آمریکا تاثیر بگذارد، بیش از حد مجاز خوشبینانه بوده است. درست است که روند همگرایی اقتصادی اروپا بسیار پیش رفته است، اما اینک همه ناظران متفق‌القولند که وحدت سیاسی اروپا با موانع بسیاری روبرو خواهد شد. حتی ادامه روند تبدیل اروپا به یک محدوده اقتصادی واحد و نیرومند، با تحولات اروپای شرقی و اختلافات داخلی اروپای غربی، زیر علامت سئوال رفته است. معلوم نیست اروپای شرقی چگونه در نظام سیاسی و اقتصادی اروپا ادغام خواهد شد. لندن از تسلط آلمان واحد بر اروپای واحد بیش از آن هراس دارد که نزدیکی سنتی خود به واشنگتن را تا بانی "ایده اروپایی" کند. تاچر و بوش عملا در یک قرار و مدار دو جانبه مشی غرب در بحران خلیج فارس را تعیین کردند و برای سایر کشورهای اروپایی و حتی شوروی و ژاپن، چاره‌ای جز دنباله روی نماند.

اخیرا ناتو به ابتکار آمریکا تصمیم به تشکیل یک نیروی واکنش سریع گرفت. این نیرو قرار است در بحران های آتی، بار نظامی بر دوش ایالات متحده را سبک‌تر کند. ناتو صریحا اعلام کرده است که شرایط جدید اجازه کاهش هزینه‌های نظامی را نمی‌دهد. دشمنان جدید، زرادخانه‌های جدید را ضروری کرده‌اند. این، درس مشترک آمریکا و اروپای غربی از جنگ خلیج فارس است. برای ژاپن نیز که کماکان یک غول اقتصادی و کوتوله نظامی است، میدان مانور چندانی باقی نمی‌ماند.

در خود آمریکا، جنگ خلیج فارس عملا به یک دوره بحث پیرامون جایگاه، امکانات و وظایف ایالات متحده در دوره پس از جنگ سرد پایان داد. سیاستمداران آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند (یا حداقل به مردم خود چنین می‌گویند) که شکاف میان ادعای رهبری جهان از یک سو و امکانات عملی آمریکا از سوی دیگر، پر شده است: "ما آمریکایی هستیم. ما مسئولیتی بی‌مانند در انجام کاری سخت برای آزادی داریم. واگر چنین کنیم، آزادی محقق میشود." (جرج بوش در نطقی خطاب به مردم آمریکا) جهانی بس پیچیده که در آن، شکاف میان شمال وجنوب پیوسته عمیق‌تر میشود، بحران های منطقه‌ای جدید شکل می‌گیرد و ذخیره سلاح‌های مرگبار بزرگتر شده، طیف صاحبان آن گسترش می‌یابد، در مدل ساخته و پرداخته نظریه‌پردازان سیاست آمریکا، به جهانی بسیار ساده تبدیل می‌شود. جهانی که در آن مشتی شرور وجود دارند که کلانتر بین المللی باید آنها را به جای خود بنشاند. جهانی که مسائل آن اصلا به این خاطر ایجاد می‌شود که آمریکا آنها را حل کند.

در شماره بهار ۱۹۹۱ نشریه "امور خارجی" که در آن مبتکران مبانی تئوریک سیاست خارجی آمریکا قلم می‌زنند، مقاله‌ای از چارلز کراوت هامر چاپ شده است که حاوی رئوس اصلی "نظم بین المللی" در شرایط پس از جنگ سرد است. کراوت هامر جوهر این نظم نوین را "ثبات و امنیت"، و مهمترین خطری را که متوجه آن است، گسترش تسلیحات مدرن به کشورهای "حاشیه‌ای" می‌داند. کشورهایی که خیلی بزرگ نیستند، عقب‌مانده‌اند و می‌خواهند موقعیت خود را با کاربرد سلاح بهبود بخشند. کراوت هامر بطور مشخص از عراق، کره جنوبی و لیبی به عنوان خطرات بالقوه و آرژانتین، پاکستان، ایران و آفریقای جنوبی به مثابه خطرات بالقوه نام می‌برد، و می‌افزاید: "این امر نظم نوین بین المللی را نه به یک آرزوی کشور گشایانه یا خیال‌پردازی به سبک ویلسون، بلکه به یک روش صرفا محتاطانه تبدیل می‌کند. غرب بتدریج درمی‌یابد که لازم است نظامی تحکیم یابد که در آن این سلاح‌ها و کسانی که آنها را در دست دارند تحت مراقبت قرار گیرند." نویسنده، به عنوان ابزار چنین نظامی از ممنوعیت صدور هرگونه تکنولوژی پیشرفته به "اینگونه کشورها"، خلع سلاح آنها به زور در صورت لزوم و ایجاد یک سیستم ضد موشکی و دفاع ضد هوایی پیشرفته برای کشورهای غربی نام می‌برد، و تاکید می‌کند "بزرگترین امید ما به امنیت در این عصر مانند دوره‌های دشوار گذشته، قدرت آمریکا و اراده آن است - قدرت و اراده رهبری یک جهان تک قطبی، برقراری قواعد نظم جهانی بدون احساس شرم و آماده بودن برای به کرسی نشاندن این قواعد."

"نظم نوین جهانی" به همین سادگی است. "ثبات و امنیت"، این است آنچه آمریکا بر پرچم خود می‌نویسد. مابقی، از قبیل دمکراسی و حقوق بشر، دیگر محلی از اعراب ندارد.

نظریه کراوت هامر، یکی از افراطی‌ترین نمونه‌هاست. اما نباید فراموش کرد که حداقل در جریان بحران خلیج فارس، این نظریه راهنمای عمل دولت آمریکا بود.

آلترناتیو نظرات اینچنینی در میان تئوریسین‌های آمریکایی، نه‌دست کشیدن از برتری طلبی و پذیرش ضرورت علاج ریشه‌ای مسائل مبتلا به جهان، که اجرای نوع پیچیده‌تری از سیاست قدرت است. به عنوان نمونه، ارل راونر در شماره زمستان ۹۱-۱۹۹۰ نشریه "سیاست خارجی" می‌نویسد که در جهان نوین، نقش کشورهای قدرتمند مانند آمریکا محدود به ابعاد "فرامنطقه‌ای" است، و ایالات متحده باید بکوشد در مناطق مختلف، نوعی تعادل نیروها را ایجاد کند و کاری کند که دشمنان بالقوه، بیشتر به جنگ در میان خود مشغول باشند تا هجوم به دژ تسخیرناپذیر شمال.

تاکنون، این "نظم نوین" برای خاورمیانه ثمرات تلخی داشته است: نابودی منابع انسانی و اقتصادی عراق، خنثی‌شدن دستاوردهای سیاسی و دیپلماتیک مبارزه فلسطینی‌ها بر اثر خطایی که رهبری آنها با قرار گرفتن در تنگنا مرتکب آن شد، کشتار هزاران تن از کردها و شیعیان عراق به دست رژیم بغداد، آوارگی میلیون ها تن از مردم عراق، تخریب هولناک محیط زیست خلیج فارس، تحکیم رژیم‌های مرتجع شبه‌جزیره عربستان و واگذاری کامل لبنان به حافظ‌اسد. آیا اگر "بردباری" نشان دهیم می‌توانیم امیدوار باشیم که پس از این فجایع، از تحولات اخیر برای ملت‌های منطقه حداقل ثمرات جانبی مثبتی بدست آید؟ به عنوان نمونه آیا می‌توان انتظار داشت آمریکا از نفوذ افزایش یافته خود در منطقه در جهت لیبرالیزه کردن رژیم‌های حاشیه خلیج فارس گام بردارد؟

جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا در جریان نخستین سفرش به کویت پس از بیرون راندن عراق از این کشور از امیر کویت خواست بیشتر مراقب رعایت حقوق بشر باشد. این موضع‌گیری بیکر پس از افشای یک سلسله حقایق مربوط به جنایات حکومت کویت علیه فلسطینی‌ها در افکار عمومی غرب صورت گرفت. ازاین رژست آمریکا هفته‌ها گذشته است. دولت کویت نه تنها به تعقیب و سرکوب شهروندان کویتی و خارجی به اتهام هواداری از عراق پایان نداده، بلکه اخیرا حکومت نظامی را به مدت یک ماه دیگر تمدید کرده است. به درخواست‌های مکرر اپوزیسیون کویت برای گشودن فضای سیاسی از جانب امیر کویت و دولتش با بی‌اعتنایی برخورد میشود. این در حالی است که چه قبل از بیرون راندن عراق و چه هم‌اکنون، آمریکا از ابزارهای کافی برای تاثیرگذاری بر سیاست دولت کویت برخوردار است.

احیای بی‌کم و کاست حکومت قرون وسطایی شیخ کویت، بازی بی‌شرمانه آمریکا با سرنوشت کردها و سایر مردم عراق در آخرین روزهای جنگ و پس از آن و زدوبند آمریکا با حافظ‌اسد و سپردن لبنان به این صدام حسین "خوب"، همه نشان می‌دهد که آمریکا دمکراسی و حق تعیین سرنوشت را برای ملت‌های منطقه نمی‌خواهد. در حالی که مثلا شرایط آمریکای لاتین به ایالات متحده اجازه میدهد "خطرات" احتمالی ناشی از دمکراتیزه شدن نسبی کشورهای آن قاره را برای دستیابی به اهداف استراتژیک و درازمدت‌تر خود بپذیرد، نفت و موقعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه، به عامل "ثبات" و "امنیت" در سیاست آمریکا در این منطقه وزن ویژه‌ای می‌بخشد. اگر یک پارلمان فرضی در کویت به این فکر بیافتد که منابع ملی این کشور را به قیمت نازل و در ابعاد نامحدود به معرض تاراج غرب نگذارد، ضرری که متوجه آمریکا میشود بسیار بیشتر از بی‌آبرویی دفاع از یک حکومت قرون وسطایی است.

شرایط ایجادشده پس از جنگ خلیج فارس، با دامن زدن به امیدهایی برای حل سایر مسائل منطقه از سوی کسانی که هنوز نسبت به ماهیت "نظم نوین جهانی" دچار توهمند، همراه شده است. سفرهای پیاپی جیمز بیکر به کشورهای خاورمیانه، و موضع‌گیری او علیه سرسختی اسرائیل، به این توهم دامن میزند. اما واقعیت این است که برای فلسطینی‌ها، هیچگاه شرایط دستیابی به اهداف ملی‌شان به دشواری موقعیت کنونی نبوده است. جنگ خلیج فارس تا حد زیادی دستاوردهای انتفاضه در عرصه سیاسی و دیپلماتیک را خنثی کرد. رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین که توانسته بود با تکیه بر اهرم انتفاضه، اقدام به اعلام موجودیت دولت در تبعید کند و از دسامبر ۱۹۸۸ وارد مذاکره با آمریکا شود، با موضع‌گیری به سود صدام حسین بهانه به دست نیروهای راستگرای اسرائیل و حامیان غربی‌اش داد که مشروعیت ساف به مثابه نماینده قانونی ملت فلسطین و یک طرف جدی برای مذاکرات صلح را زیر علامت سئوال ببرند. نباید فراموش کرد که اگرچه سرزنش رهبری ساف بابت این خطای سیاسی، بسیار ساده است، شرایط برای در تنگنا قرار دادن ساف و ایجاد زمینه چنین خطایی، پیش از آغاز بحران خلیج فارس فراهم آمده بود. آمریکا دو ماه پیش از بالا گرفتن تشنج میان عراق و کویت، مذاکره با ساف را به بهانه حمله نافرجام گروه ابوعباس به سواحل اسرائیل قطع کرد. این در حالی بود که رهبری ساف حاضر به پذیرش موجودیت اسرائیل شده بود. در مقابل، اسرائیل هیچگونه نرمشی نشان نداد.

دولت ائتلافی لیکود و حزب کارگر جای خود را به یک دولت یکپارچه دست راستی داد. آریل شارون، سیاستمدار افراطی ضد فلسطینی در مقام وزارت مسکن مسئول شهرک سازی در مناطق اشغالی شد. نیروهای امنیتی اسرائیل موج جدید اعتراضات فلسطینی‌ها پس از کشتار کارگران فلسطینی در نزدیکی تل‌آویو در ۲۰ ماه مه ۱۹۹۰ را به شدت سرکوب کردند. همه این عوامل دست بدست هم دادند و بسیاری از فلسطینی‌ها را به این نتیجه رساندند که هر چه رهبری آنها در مقابل اسرائیل و حامیانش از خود انعطاف بیشتری نشان میدهد، طرف دیگر سرسخت‌تر می‌شود. پس از اشغال کویت توسط عراق، مردم فلسطینی ساکن مناطق اشغالی پرچم‌های عراق و عکس‌های صدام حسین را بالا بردند. برای آنها لفاظی رادیکال رژیم بغداد و حمله آن به یک متحد نزدیک غرب در خلیج فارس، امیدی واهی ایجاد کرد که بتوانند به کمک یک عبدالناصر جدید، خواست‌های خود را به اسرائیل و غرب تحمیل کنند.

اکنون سخن از یک "کنفرانس منطقه‌ای" برای دستیابی به صلح در خاورمیانه می‌رود. آنچه تاکنون مانع تشکیل این کنفرانس شده، اختلاف بر سر شرکت یا عدم شرکت سازمان ملل در روند صلح است، نه مسئله تشکیل یک دولت فلسطینی. اسرائیل اعلام کرده است که حاضر به عقب نشینی از یک وجب از اراضی اشغالی نیز نیست. شهرک‌سازی در این اراضی ادامه دارد. کشورهای عربی پذیرفته‌اند که فلسطینی‌ها نه از طریق ساف، بلکه تنها با شرکت در هیات اردنی در کنفرانس صلح شرکت کنند. به نظر می‌رسد اگر آمریکا موفق به برگزاری کنفرانس صلح شود، حداکثر نتیجه‌ای که برای اعراب ازاین کنفرانس بدست خواهد آمد پس دادن بخشی از بلندی‌های جولان به سوریه و تخلیه جنوب لبنان توسط اسرائیل از یک سو، و دادن "خودمختاری" محدود به فلسطینی‌های مناطق اشغالی در عرصه‌هایی که به کار شهرداری‌ها مربوط است باشد. این، به معنای همگانی‌کردن پیمان کمپ دیوید است. تحقق این راه‌حل، مسئله ملی فلسطینی‌ها را کماکان لاینحل خواهد گذاشت. یک ملت کماکان از داشتن دولت مستقل و از حق تعیین سرنوشت محروم خواهد ماند.

سیستم امنیتی

پس از جنگ خلیج فارس، استراتژی نظامی آمریکا در خاورمیانه حول سه محور پیش برده میشود:

۱ - تقویت بنیه نظامی اسرائیل و تحویل تجهیزات نظامی بازهم مدرن‌تر به این کشور

۲ - تضمین ادامه حضور نظامی مستقیم غرب در منطقه

۳ - تلاش برای ایجاد گروهبندی‌های مطلوب غرب تحت عنوان "سیستم امنیت منطقه‌ای"

اوایل خرداد ماه ریچارد چنی وزیر دفاع به اسرائیل رفت و با خود وعده‌هایی حاکی از کمک‌های بیشتر تسلیحاتی و مالی برد. اسرائیل کماکان متحد استراتژیک اصلی آمریکا در خاورمیانه است، و اختلاف دو کشور در مورد نحوه حل و فصل مسائل منطقه، اگر هم واقعی باشد، بر این امر تاثیری نمی‌گذارد.

از آنجا که آمریکا از سرانجام تلاش‌های خود برای شکل‌دادن به یک "سیستم امنیت منطقه‌ای" مطمئن نیست، برخلاف اظهارات مکرر مقامات آمریکایی حاکی از اینکه با پایان جنگ، نیروهای ایالات متحده منطقه را ترک خواهند کرد، پیوسته آشکارتر می‌شود که حضور نظامی مستقیم آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه باقی خواهد ماند. اخیرا اعلام شد که بخشی از نیروهای ارتش آمریکا در کویت مستقر خواهند شد. عملیات "کمک رسانی" به کردها نیز تمرینی شد برای نظامیان آمریکایی که دریابند با استفاده از پایگاه‌های خود در ترکیه ظرف چه مدت می‌توانند یک منطقه کوهستانی را که سابقه حضور در آن نداشته‌اند، اشغال کنند. کسی تردیدی ندارد که پایگاه‌هایی که غرب در طول جنگ خلیج فارس در منطقه بدست آورده‌اند، به این زودی‌ها تخلیه نخواهد شد. علاوه بر این، آمریکا قصد دارد مقادیر زیادی سلاح و مهمات را در اسرائیل و احتمالا عربستان انبار کند تا در موقع لزوم مورد استفاده قرار گیرند.

تلاش برای ایجاد "سیستم امنیتی" بیش از آنکه حلقه اصلی در استراتژی غرب باشد، مکمل اقدام‌های نامبرده است. سیستم امنیتی مورد نظر آمریکا می‌بایست در وهله اول متحدان مطمئن آمریکا مانند ترکیه، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و پاکستان را دربرگیرد و با جمهوری اسلامی و سوریه نیز رابطه‌ای برقرار کند که به منافع استراتژیک آمریکا لطمه‌ای نزند. غیرقابل تصور است که متحدان منطقه‌ای آمریکا بتوانند و بخواهند خارج از این چارچوب وارد سیستم امنیتی مشترکی با دیگران شوند. ازآنجا که عربستان و شیخ‌نشین‌های همسایه‌اش نه مایل به شرکت دادن جمهوری اسلامی در یک پیمان امنیتی مشترکند و نه میخواهند با کنار گذاشتن جمهوری اسلامی از چنین پیمانی، خشم رژیم تهران را برانگیزند، چشم‌انداز موفقیت آنها در گسترش آنچه به صورت شورای همکاری خلیج وجود دارد، چندان روشن نیست.

سیاست امریکا در قبال ایران

سیاست ایالات متحده در قبال ایران، کنار آمدن با همین رژیم فعلی بدون تغییرات اساسی در آن را هدف قرار داده است. آمریکا به گفته جرج بوش هنوز شوروی را علیرغم آنکه در سالهای اخیر بسیار

بقیه در صفحه ۹

لبنان: شدیدترین حمله هوایی اسرائیل از سال ۸۲

بقیه از صفحه اول

هفته گذشته اسرائیل به جنوب لبنان، شدیدترین حمله از این نوع از هنگام تهاجم گسترده اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ تاکنون بوده است. در عملیات اسرائیلی‌ها مجموعا ۳۵ هواپیمای جنگی شرکت داشتند. حمله اسرائیل درست در نخستین سالگرد تجاوز این کشور به لبنان در سال ۱۹۸۲ صورت گرفت. در روز ۱۳ خرداد نیز نیروی هوایی اسرائیل طی یک حمله به جنوب لبنان سه‌نفر را به قتل رساندو یازده‌نفر رامجروح کرد.

حمله هوایی اسرائیل که با جنگنده‌های اف-۱۶ صورت گرفت، سه‌ساعت به طول انجامید. هواپیماهای اسرائیلی بر منطقه‌ای در شرق بندر صیدابمب و موشک ریختند. صدای انفجارها در شهر صور که ۴۰ کیلومتر با صیدا فاصله دارد، شنیده می‌شد. حمله اسرائیل تمام طول جبهه جنوب لبنان رادربرگرفت.

یک روز قبل از حمله اسرائیل، قرارداد همکاری نظامی و سیاسی میان لبنان و سوریه به امضا رسیده بود. این قرار داد پیش‌بینی می‌کند که دولتهای دمشق و بیروت عملا در همه امور سیاست خارجی مشی واحدی در پیش بگیرند.

در منطقه‌ای که مورد حمله اسرائیل قرار گرفت، اکثر چریکهای فلسطینی که شمارآنها در لبنان به ده‌هزارتن می‌رسد، مستقرند. به ادعای نظامیان اسرائیلی طی این حمله پایگاه‌های جبهه خلق و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین تخریب شدند.

بمباران شرق صیدا باعث فرار اهالی منطقه به شهر صیداشد.

بدنبال حملات اسرائیل، شورای فرماندهی نظامی سازمان آزادیبخش فلسطین در صیدا تشکیل جلسه داد تا درباره تشدید اوضاع در منطقه به مشورت بپردازد.

علاوه بر حملات هوائی اسرائیل، شبه‌نظامیان مورد حمایت اسرائیل، موسوم به ارتش جنوب لبنان، در منطقه تحت اشغال خود دست به تحرکاتی با تانک زدند. طی این تحرکات، میان این نیروها و چریکهای فلسطینی تبادل آتش صورت گرفت.

وزیر خارجه لبنان حملات اسرائیل را تلاشی برای به‌تعویق انداختن کنفرانس صلح منطقه‌ای دانست.

حمله هوایی ۱۴ خرداد اسرائیل، نخستین حمله به جنوب لبنان از آغاز سال ۱۹۹۱ بود. در هشت حمله قبلی مجموعا ۲۸ نفر کشته و بیش از ۱۰۰ تن مجروح شده‌بودند.

مطبوعات اسرائیلی گزارش دادند اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل حاضر به پذیرش درخواست جرج‌بوش رئیس جمهور امریکا مبنی بر نشان دادن انعطاف بیشتر در روند صلح خاورمیانه نیست. جرج بوش از شامیر خواسته بود که اسرائیل با شرکت سازمان ملل در کنفرانس صلح و تشکیل جلسات منظم کنفرانس موافقت کند. شامیر در پاسخ بوش گفته است: "ما نمی‌توانیم عقب نشینی کنیم. این موارد برای ما بسیار مهمند."

در خواست بوش طی نامه‌ای با شامیر در میان گذاشته شد. در حالی که اسرائیل با حضور سازمان ملل در کنفرانس صلح مخالف است و تشکیل جلسات منظم این کنفرانس را رد می‌کند، سوریه این دو مورد را به شرط حضور خود در کنفرانس تبدیل کرده است.

اسحاق شامیر روز دوشنبه ۱۳ خرداد مدعی شد روند صلح در خاورمیانه هنوز متوقف نشده است. وی در کمیته دفاع پارلمان اسرائیل گفت: "ما مایلیم که این روند پیش رود... اما روشن است که در راه صلح، میان بُر وجود ندارد." شامیر افزود که اسرائیل اعلام آمادگی کرده است اگر پس از مذاکرات مستقیم صلح با اعراب قراردادهایی به امضا رسد، این قراردادها نزد سازمان ملل متحد به ثبت رسد. این، حداکثر نقشی است که اسرائیل حاضر است برای سازمان ملل بپذیرد.

شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس از طرح جرج بوش برای کنترل تسلیحات در منطقه خاورمیانه استقبال کردند. طرح جرج بوش که چندی پیش ارائه شد، پیش‌بینی می‌کند که کشورهای خاورمیانه از داشتن تسلیحات اتمی، بیولوژیک و شیمیائی چشمپوشی کنند. وزرای خارجه عربستان، امارات متحده و عمان، قطر، بحرین و کویت از تلاشهای واشنگتن برای حل "همه جانبه و عادلانه" اختلاف اعراب و اسرائیل و مسئله فلسطین بر مبنای قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل حمایت کرده و خواهان تشکیل هر چه سریع‌تر کنفرانس صلح شدند. وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس در اجلاس خود در عربستان که پشت درهای بسته برگزار شد، همچنین درباره موضوع ساختارهای نوین امنیتی در خلیج فارس پس از جنگ و نقش ایران به مشورت پرداختند.

به گفته ریچاردچنی وزیر دفاع امریکا این کشور در صدد است به امارات متحده عربی و بحرین هلی کوپترهای جنگی بفروشد. قرار است ۲۰ هلی‌کوپتر از نوع "آپاچی" به امارات و شش فروند به بحرین فروخته شود. این درحالی است که جرج بوش اخیرا طرحی برای کنترل تسلیحات در منطقه خاورمیانه ارائه کرد. درست یک روز پس از اعلام طرح جرج بوش، وزیر دفاع امریکا طی سفری به اسرائیل خبر داد که امریکا ده فروند جنگنده اف-۱۵ به اسرائیل خواهد داد. وزیر دفاع امریکا مدعی شد میان طرح خلع سلاح بوش و فروش تسلیحات آمریکایی به کشورهای منطقه تناقض وجود ندارد.

منابع دولت آمریکا گفتند نامه بوش به سران سوریه، مصر، اردن و اسرائیل که طی آن رئیس جمهور امریکا پیشنهاد کرد کنفرانس صلح خاورمیانه هر شش ماه یک بار تشکیل جلسه دهد، احتمالا آخرین تلاش واشنگتن برای نزدیک کردن مواضع دوطرف خواهد بود. جیمز بیکر وزیر خارجه امریکا طی چهار سفر پیاپی به منطقه نتوانست میان مواضع اسرائیل و سوریه در مورد ترکیب کنفرانس صلح و مدت اجلاس آن، سازشی ایجاد کند. اسرائیل می‌خواهد کنفرانس صلح به سطح یک مراسم افتتاح مذاکرات جداگانه اسرائیل با هر یک از کشورهای عرب تنزل یابد و پس از کنفرانس، گفتگوهای صلح تنها درچارچوب مذاکرات دوجانبه ادامه یابد. سوریه خواهان آن است که کنفرانس صلح هر موقع که ضرورت یابد مجددا تشکیل جلسه دهد.

رادیو اسرائیل گزارش داد

جرج بوش می‌خواهد در صورت عدم حصول توافق در مورد چگونگی تشکیل کنفرانس صلح، راسا اقدام به برگزاری این کنفرانس در واشنگتن کند و با دعوت از روسای دولتهای اسرائیل و اعراب، آنها را در برابر عمل انجام شده قرار دهد.

ملک حسین پادشاه اردن طی مصاحبه‌ای گفت وقت آن رسیده است که "جهت تامین صلح برای نسل‌های آتی با رهبران اسرائیل رودررو مذاکره شود." بدنبال این اظهارات، داویدلدوی وزیر خارجه اسرائیل از پادشاه اردن دعوت کرد برای مذاکره با اسرائیل به این کشور سفر کند. با این حال مقامات دولت اردن گفتند این دعوت ترفندی بیش نیست و ملک حسین آن را نخواهد پذیرفت.

ایالات متحده کار ایجاد انبارهای اسلحه در اسرائیل و در منطقه خلیج فارس به منظور ذخیره کردن تسلیحات برای یک جنگ احتمالی در منطقه را آغاز کرده است. این انبارها در اسرائیل، امارات متحده عربی، کویت و عربستان سعودی در دست ساختمان است و طرح ایجاد انبارهای مشابهی نیز در عمان و بحرین تهیه شده است.

ضعیف‌تر از گذشته شده است و علاوه بر این می‌کوشد به جرگه کشورهای "متمدن" وارد شود، یک خطر بالقوه برای "نظم نوین" می‌شناسد. برای واشنگتن مهم است که در جنوب ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک ایران و شوروی، رژیمی با ثبات و ضد کمونیست مستقر باشد. زبیگنیو برژینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا، در دوره زمامداری کارتر، پنج سال پیش، یعنی زمانی که هنوز ماجرای ایران گیت فاش نشده بود، خمینی زنده و جمهوری اسلامی دشمن اعلام شده آمریکا بود، استراتژی ایالات متحده در قبال ایران را در کتاب "چگونه باید مبارزه آمریکا و شوروی را پیش برد" اینگونه تشریح کرده است:

"علیرغم خصومت رسمی ایران با ایالات متحده، این واقعیت به جای خود باقی است که ایران در درازمدت حداقل به حمایت غیرمستقیم آمریکا برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی خود نیازمند است. احتمالا پس از مرگ خمینی و کشاکش اجتناب ناپذیر سیاسی، یک روند عادی سازی تدریجی به‌وقوع خواهد پیوست.

ایالات متحده باید به روشنی آمادگی خود را برای بهبود روابط آمریکا و ایران نشان دهد زیرا منفعت آمریکا در یک ایران مستقل حتی خصومت فعلی ایران را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این منفعت آمریکا از اهمیت ژئوپلیتیک یک کشور کلیدی در مبارزه آمریکا و شوروی نشات می‌گیرد و نباید تابع احساسات گذرا باشد. متحدان آمریکا در اروپای غربی و ژاپن باید پیوندهای غیرمستقیم خود با ایران را حفظ کنند. این پیوندها به جلوگیری از فروپاشی اقتصاد ایران کمک می‌کند و چشم‌انداز چرخش به سوی تعدیل در ایران را زنده نگه می‌دارد. اگر این پیوندها فعلا حفظ شود، ناسیونالیسم ضد روسی و احساسات مذهبی ضد کمونیستی ایران، و نیز تمایل آن به رشد اقتصادی، دیر یا زود تهران را به سمت یک رابطه نزدیک‌تر با غرب سوق خواهد داد."

آمریکایی‌ها از ماجرای کارتر و شاه و حقوق بشر درس گرفته‌اند و می‌دانند که "ایران مهم‌تر از حقوق بشر است". اگر هم در رابطه غرب و به‌ویژه کشورهای اروپایی با جمهوری اسلامی مسئله حقوق بشر طرح شود، در مقاطعی است که غرب بخواهد با استفاده از این اهرم امتیازاتی بگیرد و به رژیم فقها اعمال فشار کند. اگر در این زمینه تفاوتی میان آمریکا و اروپای غربی باشد، تنها به علت حساسیت بیشتر افکار عمومی و محافل غیردولتی در اروپا است و نه یک استراتژی با کیفیت متفاوت. همانگونه که از نوشته برژینسکی برمی‌آید، آمریکا و متحدانش در برخورد با جمهوری اسلامی تقسیم کار معینی دارند که کاملا مورد توافق و رضایت هر دوی آنهاست.

هندوستان در آزمونی حیاتی

از منصور

بقیه از صفحه آخر

میشود.

سیاست رابطه دمکراتیک فدرالیسم دولت مرکزی و دولتهای محلی زیر فشارهای سنگین اقتدار منشی بوده است. بجای اینکه نهادهای دمکراسی پارلمانی و رابطه مرکز با دولتهای محلی روز بروز بیشتر تقویت شود در وضعیت محدود شدن قرار گرفته‌اند.

از تاریخ استقلال هندوستان به این طرف بحران اقتصادی کنونی بالاترین حد خود را دارد که باعث تحمیل شدن فشارهای سنگین و فلاکت باری به دوش توده‌های زحمتکش بوده است. قروض خارجی دولت ۶۵ میلیارد دلار می‌باشد و قروض داخلی تقریبا دو برابر این مقدار می‌باشد. صندوق جهانی پول بادادن وام به کشور قیوداتی غیر عادلانه تحمیل کرده است. قیودی ضد مردمی و بنفع سرمایه داران بزرگ که شامل قطع سوبسیدهای غذائی که بالغ بر ۶۵۰۰ میلیون روپیه می‌باشد و باعث بیمار و بسته شدن تعداد زیادی از کارخانجات بخش دولتی شده است. قیمت مواد غذایی که باکوپنهای دولتی پخش میشوند با سرعت سرسام آوری افزایش یافته و تعداد بیکاران رسمی کشور ۳۴۰ میلیون نفر است که همراه با ۷ میلیون بیکاران روستایی غیر ثبتی بدنبال کار میگردند. نرخ تورم چیزی در حدود ۱۲ درصد می‌باشد.

احزاب چپ- حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، حزب کمونیست هندوستان، حزب سوسیالیست انقلابی وجبهه پیشرو و نیروهای غیرمذهبی دمکرات جانا تا دال به رهبری وی. پی. سینگ که در جبهه چپ و ملی ائتلاف کرده‌اند برای وحدت ملی، علیه نیروهای تجزیه‌طلب، برای مناسبات برادرانه و دوستانه بین فرقه‌های مذهبی- ملی، علیه نیروهای تفرقه‌انداز فرقه‌ای، برای دمکراسی علیه اقتدار طلبی و برای رابطه مناسب و درست بین دولت مرکزی و دولتهای محلی بر اساس وحدت فدرالی آنها و با خودمختاری گسترده برای دولتهای محلی و دیگر ارزشهای دمکراسی نوین مبارزه می‌کنند. در طرف دیگر حزب کنگره (ای) وحزب مردم هندوستان وجود دارند که در این انتخابات شرکت می‌کنند. حزب کنگره (ای) به رهبری راجیو گاندی سابقه‌ای طولانی در حمله مداوم به دمکراسی دارد و عمدتا برای حکومت تک حزبی تقلا می‌کند. حزب کنگره (ای) با دفاع صوری از حکومت لائیک حرکتی موثر علیه نیروهای جدایی طلب و فرقه گرایی مذهبی- ملی نکرده است و حتی حربه‌های مذهبی- ملی بطور وسیع استفاده نموده است. حزب مردم هندوستان BJP حزبی است که بر ایدئولوژی حکومت مطلقه هندوها استوار است و با مخلوط کردن مذهب با سیاست آب به آسیاب نیروهای جدایی طلب پنجاب و کشمیر می‌ریزد. این حزب خواهان محدود شدن حقوق اقلیتهای مذهبی- ملی هندوستان می‌باشد.

عاجل‌ترین و مهمترین مسئله کنونی، وحدت و تمامیت هندوستان می‌باشد که تنها با خنثی کردن توطئه‌های جدایی طلبان و فرقه گرایان و تقویت و دفاع پیگیر از دمکراسی و عقب راندن نیروهای اقتدار طلب نهفته است.

پانزده ماه پیش دولت کنگره (ای) بخاطر عدم توانایی در حل مسئله پنجاب و آسام، رشد خواری وسیع در بالاترین سطوح دولتی، افزایش سرسام‌آور قیمتها و حل رابطه مرکز و دولتهای محلی بعد از سالها انحصار قدرت، نتوانست در انتخابات اکثریت لازم را برای تشکیل دولت بدست آورد. لذا جبهه ملی به رهبری وی. پی. سینگ توانست دولت خودش را بدون شرکت ولی با حمایت گسترده احزاب چپ و حزب مردم هندوستان روی کار آورد. ولی بعد از مدتی حزب مردم هندوستان با حمایت کامل از احزاب مذهبی ویشوا هندو پرساد (VHP) راهپیمائی طولانی برای خراب کردن ساختمان مسجد بابر در شهر آیودیا و بنا کردن معبد هندوها در همان محل راه انداخت که امیدوار بود چون دولت وی. پی. سینگ به حمایت این حزب احتیاج دارد جلوی این راهپیمایی فرقه‌گرایانه را نخواهد گرفت. ولی وی. پی. سینگ با ارجحیت دادن به مصالح ملی جلوی این راهپیمایی را گرفت و همین امر باعث قطع حمایت حزب راستگرای مردم هندوستان از دولت وی گردید. بنابر این دولت وی. پی. سینگ بعد از یازده ماه بدلیل از دست دادن اکثریت پارلمانی مجبور به کناره‌گیری شد و جای خود را به دولت چاندراشکار داد که فقط از حمایت حزب کنگره (ای) برخوردار بود.

در طول یازده ماه حکومت جبهه ملی قدمهای مثبتی در جهت تعمیق دمکراسی برداشته شد. برای اولین بار دولت مرکزی سازمانهای توده‌ای را در سیاستگزاری مربوط به بخشهای اجتماعی‌ایی که متعلق به آن سازمانها بود دخالت داد. سهم گیری کارگران در مدیریت کارخانه‌ها را قانونی نمود. قانون اصلاحات ارضی را در طرح نهمین دوره بررسی قانون اساسی گنجاند که زمین داران بزرگ دیگر قادر به متوقف کردن این اصلاحات با توسل به دادگاه نباشند. با اصل حق کار بعنوان یک حق اساسی هر شهروند در قانون اساسی موافقت کرد و در راه آن اقدامات اولیه را آغاز نمود. شرایط مربوط به روابط بین دولت مرکزی و دولتهای محلی را بهبود بخشید و شورای دولت محلی را برای حل و فصل مسائل ایالتی و مسائل بین دولت مرکزی محلی رسما قانونی کرد. قانونی را به تصویب رساند که بر اساس آن استقلال رادیو و تلویزیون محرز شد و همچنین قانون رفرمهای اجتماعی بر اساس انتخابات را نیز به تصویب مجلس رساند.

حکومت چاندراشکار نه تنها این تحولات را تعمیق نداد بلکه نتوانست راه حلی مناسب برای مشکلات و مسائل عدیده هندوستان ارائه دهد. همچنین چندین وزیر پیشنهادی‌اش برای تشکیل دولت پی در پی از طرف پارلمان با رای عدم صلاحیت روبرو شدند که بعد از چهار ماه بدون هیچ عملکردی مجبور به کناره‌گیری از دولت شد.

در حال حاضر مردم هندوستان راهی سخت در پیش رو دارند. این را جدا از اینکه کدامیک از این سه نیروی عمده سیاسی بتوانند رای اکثریت را بگیرند و دولت تشکیل دهند، راهی پرپیچ و خم است. انتخابات ماه می آزمونی برای دمکراسی، عدالت، وحدت، فدرالیسم گسترده‌تر، پیشرفت و ثبات هندوستان می‌باشد. چنانچه نیروهای راستگرا و فرقه گرا روی کار آیند احتمال پاره‌پاره شدن هندوستان بی اندازه تقویت می‌شود و اگر نیروهای اقتدار طلب روی کار آیند دمکراسی هرچه بیشتر محدود میشود و اگر جبهه چپ و ملی دولت تشکیل دهند باز هم نمی‌توان اطمینان داشت که علیرغم تعمیق یافتن تحولات دمکراتیک، ثبات لازم با توجه به تحریکات خارجی و اقدامات فرقه‌گرایانه و تجزیه طلبانه، به کشور باز خواهد گشت.

سیاست خارجی ملی به چه معناست؟

مجموعه شرایطی که در اینجا به طور خلاصه برشمرده شد، نشان می‌دهد که غرب و به طور ویژه آمریکا در منطقه ما در پی ایجاد و تحکیم آنچنان "ثبات" و "امنیت"ی هستند که جریان نفت ارزان را تضمین کند و مانعی در برابر تحقق استراتژی نظام جهانی آنها نباشد. این "ثبات" و "امنیت" مغایر با منافع ملی کشورهای منطقه ما و از جمله ایران است. انتقاد از سیاست خارجی ماجراجویانه رژیم جمهوری اسلامی در دوره خمینی نباید این واقعیت را بپوشاند که میان منافع ملی ایران و همه آنچه به کارگردانی آمریکا در منطقه ما جریان دارد، تضادهای واقعی وجود دارد. مردم ایران هیچ منفعتی ندارند که به گروهبندی‌های نظامی یا

بقیه در صفحه ۲

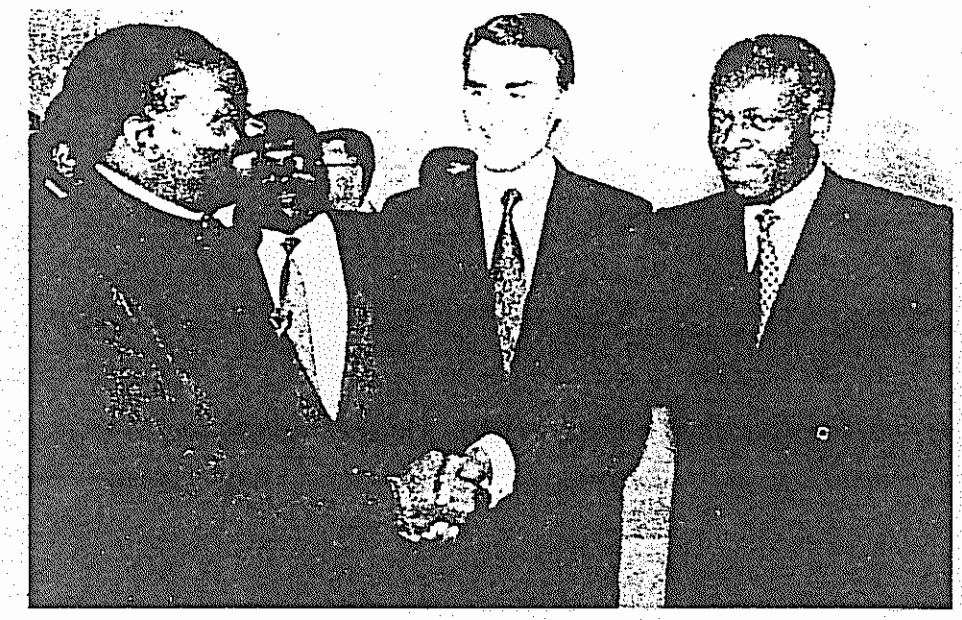

بعداز ۳۵ سال در آنگولا صلح برقرار شد. دیر پایان هفته گذشته قرارداد صلحی بین ادواردو سانتوس رئیس جمهور آنگولا و یوناس ساویمبی رهبر شورشیان یونیتا به امضا رسید. و به این ترتیب جنگ داخلی ۱۶ ساله آنگولا که به دنبال ۱۴ سال مبارزه مسلحانه علیه استعمارگران پرتقالی در گرفته بود به پایان رسید. صدها هزار نفر، امضای این قرارداد صلح را در لوانداجشن گرفتند.

از گزارش کمیسیون دفاع از حقوق بشر در آمریکای مرکزی

نقض خشن حقوق بشر و سقوط دردناک اقتصادی

باوجود اینکه در برخی ازکشورهای آمریکای لاتین مانند گواتمالا و السالوادور تلاش‌ها و اقداماتی برای برقرای صلح پی‌گیری می‌شود، کشورهای منطقه مزبور، در عرصه حقوق بشر، ووضعیت اقتصادی و اجتماعی با مشکلات نگران کننده و خطرناکی روبرو هستند. کمیسیون حقوق بشر در آمریکای مرکزی درسان خوزه پایتخت کاستاریکاضمن اعلام چنین ارزیابی در گزارش خود از نقض خشن حقوق بشر در آمریکای مرکزی به‌ویژه در گواتمالا، السالوادور و هندوراس نیز گزارش داده‌است.

کمیسیون در بخش دیگری از گزارش خود به ''سقوط دردناک'' اقتصادی کشورهای آمریکای مرکزی که مسبب آن را نیز سیاست‌های بانگ جهانی و صندوق بین المللی خوانده است، اشاره می‌کند. بانک جهانی و صندوق بین المللی در سیاست‌های خود در آمریکای مرکزی هدف تغییر ساختار این کشورها و انطباق بیش از پیش آنها با منافع خود را پیش می‌برند.

خانم میرنا آنایا یکی از اعضای کمیسیون، سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را مسبب بوجود آمدن اختلافات اجتماعی جدید می‌خواند که نمونه‌های آن در بیکاری‌های وسیع اخیر در پاناما و کاستاریکا دیده می‌شود.

نمایندگان کشورهای عضو سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) نیز در سانتیاگو پایتخت شیلی خواهان ادامه روند دمکراتیزه شدن و مقابله‌جدی با فقر و فلاکت اجتماعی شدند.

در اجلاس سالانه سازمان مزبور، بیانیه‌ای به تصویب رسید که درآن ذکر شده است همه کشورهای عضو خواهان ایجاد یک سیستم امنیتی و از بین بردن سلاح‌های مخو جمعی‌اند بیانیه که به عنوان ''وظایف برای دفاع ازدموکراسی ونوسازی سیستم جهانی'' منتشر شده دفاع از روند دمکراتیسم و اجرای حقوق بشر را به عنوان پیش‌شرط‌های رسیدن به ثبات سیاسی، پیشرفت اجتماعی و صلح ضروری میداند.

هندوستان در آزمونی حیاتی

توضیح: این مقاله قبل از ترور راجیو گاندی تهیه شده و باتاخیر به دفتر نشریه رسیده است

هندوستان یکی از کشورهای مهم منطقه آسیای خاوری، یکی از بنیانگزاران جنبش عدم تعهد ویکی از کشورهای اصلی این جنبش می‌باشد. نورم‌ها و نهادهای دمکراتیک بطور وسیع در این کشور وجود دارند که توجه وسیعی را هم به لحاظ سیاسی و مسائل بغرنج این جامعه وهم به لحاظ مبارزه برای دمکراسی گسترده بخود جلب کرده‌است.

طی سالهای اخیر هندوستان دچار بحران وسیعی شده است. در این بحران اقتصادی-سیاسی، سیاستهای ماجراجویانه وخرابکارانه خارجی وسیاستهای تجزیه طلبانه وفرقه گرایانه، اجزاب راست ورقابتهای انتخاباتی بی مورد بعضی احزاب دیگر نقشی عمده دارند. طی دوساله گذشته دولتهای مختلف یک به یک بطور زود هنگام برکنار شده‌اند.

مردم هندوستان در حال آماده کردن خود برای شرکت در انتخاباتی دیگر در ماه مه امسال هستند.

در زیر دلایل بر کناری این دولتها را ضمن برشمردن گوشه‌هایی از مسائل ومشکلات این کشور پهناور ۸۲۰ میلیونی مروری می‌کنیم.

پانزده ماه بعد از آخرین انتخابات مجلس عام، مردم هندوستان یکبار دیگر مجبورند در یک انتخابات مهم دیگری شرکت نمایند. انتخابات مجلس عام و چند مجلس ایالتی برای نیمه دوم ماه می سال ۱۹۹۱ برنامه ریزی شده است. میلیونها نفر برای دهنده برای اینکه یکی از سه نیروی عمده سیاسی- حزب کنگره (ای)، حزب مردم هندوستان و جبهه چپ و ملی را به کرسی بنشانند بطرف صندوقهای رای گیری خواهندرفت.

این انتخابات از زمانی برگزار میشود که مردم و کشور هندوستان با بحرانی همه جانبه دست به گریبانند. وحدت و تمامیت هندوستان که بامبارزه‌ای چند ساله علیه استعمار وبا قربانی دادن بیشمار بدست آمده بود، در معرض تهدیدی جدی از طرف نیروهای جدایی طلب وفرقه‌گرای مذهبی-ملی است. وحدت مردم هندوستان با تمامی پیچیدگی وبغرنجی اجتماعی‌اش- چند زبانی، چند مذهبی وتنوع آداب و سنن فرهنگی- که طی سالهای سال حفظ شده بود، هم اکنون توسط هیولای فرقه‌گرایی تهدید

بقیه در صفحه ۹

آیا خاورمیانه زیر سلطه مطلق غرب می‌رود؟

سهراب مبشری

نخستین ثمره پایان دوره تعادل دو قطبی جهان برای منطقه خاورمیانه، جنگ خلیج فارس و عواقب آن بود، جنگی که در آن غرب تحت رهبری ایالات متحده به همه اهداف خود دست یافت. اگر داوری خود درباره چشم‌انداز تحولات خاورمیانه پس از پایان جنگ سرد را بر جنگ آمریکا و صدام و نتایج آن استوار کنیم، برای منطقه خود آینده روشنی نمی‌بینیم. در صورتی که روندهای آتی در منطقه، ادامه منطقی جنگ بر سر کویت باشد، خاورمیانه به سوی تبعیت از قواعد و قانونمندی‌های یک جهان تک قطبی می‌رود. عوامل زمینه‌ساز این روند از یک سو، و موانع آن از سوی دیگر، کدامند و عواقب چنین روندی برای ملت‌های منطقه چیست؟ به‌نظر می‌رسد وقت آن فرا رسیده است که برای جهت‌یابی درست در شرایط تحول‌یافته جهان و منطقه، بر اساس جمع‌بندی تحولات سال‌ها و ماه‌های اخیر و تحلیل وضعیت لحظه، به درک مشخصی ازامکانات و وظایف نیروهای ملی به طور عام و چپ به طور خاص برسیم. مقاله حاضر ادعای جامع بودن ندارد و صرفا کوششی است برای گشودن یک بحث. در عین حال این مقاله حاوی نظر روشن نگارنده درباره مسائل منطقه و الزامات یک سیاست ملی در قبال این مسائل است. به نظر من این بحث باید در دستور کار کنگره دوم سازمان قرار گیرد. انتظار می‌رود رفقای صاحب نظر فعال‌تر از گذشته با مسائل منطقه برخورد کنند.

حذف شوروی

به مثابه ابرقدرت

آخرین حلقه از زنجیر تحولات دربرگیرنده حذف شوروی به مثابه یک ابرقدرت از صحنه سیاست منطقه، سقوط یک متحد دیگر مسکو در جمسایگی بلافصل خاور میانه بود. رژیم منگستو هایل مریم در اتیوپی طی نمایشی که در آن آمریکا حتی نیازی به پنهان نگه داشتن نقش کارگردانی خود ندید، سرنگون شد. دولت آدیس آبابا پس از فرار دیکتاتور حتی یک هفته هم دوام نیاورد. آمریکا که اطلاعات دقیق‌تری از حد پوسیدگی و تزلزل دولت و ارتش اتیوپی داشت، به شورشیان که پشت دیوارهای پایتخت منتظر مانده بودند، ''توصیه'' کرد برای ''برقراری نظم و آرامش'' وارد شهر شوند. شورشیان طی یک عملیات چندساعته، آدیس‌آبابا را تصرف کردند. سرنوشت بزرگترین ارتش آفریقا و مهمترین هم‌پیمان شوروی در این قاره، به همین سادگی رقم خورد.

خاورمیانه حدود سی سال به‌طور روشن مهر و نشان دوقطبی بودن جهان را بر خود داشت. هریک از دو ابرقدرت، متحدان پایدار یا کمتر پایدار خود را در منطقه داشتند. نیروهای ملی با استفاده از رقابت میان آمریکا و شوروی، گاه به موفقیت‌هایی دست می‌یافتند. هر چند شوروی در همه موارد متحد مطمئن برای جنبش‌های ملی و دمکراتیک نبود، اما صرف حضور آن در سیاست منطقه می‌توانست مجالی برای مبارزه استقلال طلبانه ملت‌ها بگشاید. تا وقتی این دوقطبی بودن خاورمیانه ادامه داشت، آمریکا و متحدانش در پیشبرد استراتژی خود به موانع جدی برمی‌خوردند. حتی در سال ۱۹۸۳، زمانی که اگر بقدر کافی هشیار بودی، می‌توانستی افول قدرت شوروی را در افغانستان ببینی، آمریکا، اسرائیل، انگلیس و فرانسه نتوانستند لبنان را تحت کنترل خود نگه دارند. تجاوز سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان شکست خورد و حامیان غربی اسرائیل نیز یک سال بعد پس از تحمل تلفاتی ناچار به ترک لبنان شدند. خلا قدرت در این کشور کوچک، آن را به منطقه نفوذ سوریه تبدیل کرد، سوریه‌ای که در آن زمان هنوز مورد غضب آمریکا بود.

اما در طول سی‌سال حضور فعال شوروی در منطقه، موفقیت‌های این چنینی برای مسکو و متحدانش انگشت شمار بودند. اگر توفیق‌های اندکی را که نصیب شوروی وهم پیمانانش در منطقه شده با حجم کمک‌های هنگفت تسلیحاتی و اقتصادی سی ساله مسکو به کشورهایی مانند عراق، سوریه، مصر، یمن جنوبی و افغانستان مقایسه کنیم، در می‌یابیم که بازده این فعالیت برای شوروی و متحدانش ناچیز بوده است. اسرائیل در سه جنگ اول خاورمیانه (۱۹۴۸، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷) چند برابر خاک خود اراضی اعراب را اشغال کرد، و علیرغم موفقیت نسبی اعراب در جنگ چهارم (۱۹۷۳)، هنوز کرانه غربی رود اردن، نوار غزه، بلندی‌های جولان، بیت المقدس شرقی و جنوب لبنان را در تصرف خود دارد. اکثر کشورهای نفت‌خیز منطقه تحت حکومت فرمانروایان تا مغز استخوان وابسته به آمریکا وغرب قرار دارند. رژیم‌های مورد حمایت شوروی در مصر، عراق و سوریه‌بسیار نامطمئن از کاردرآمدند. و جنگ داخلی افغانستان منابع انسانی و مالی شوروی را بلعید بدون اینکه مرزهای جنوبی جمهوری‌های آسیایی را مطمئن ترکند.

اکنون، سی‌سال حضور فعال اما در مجموع ناموفق شوروی در منطقه پایان یافته است. در پایان این دوره سی‌ساله که با کمک تسلیحاتی به مصر در جنگ ۱۵۹۶ آغاز شد، به مواضع شوروری در منطقه ضربات کاری وارد آمد:

*نیروهای شوروی پس از ده سال جنگ خونین با شورشیان افغانی بدون دستیابی به اهداف نظامی خود ناچار به عقب نشینی شدند.

*در سال ۱۹۸۶ دو جناح تنها دولت مارکسیست عرب در یمن جنوبی به جان هم افتادند. تجربه ''سوسیالیسم'' در یمن جنوبی با وحدت دو یمن خاتمه یافت.

سیاست خارجی جدید شوروی، متضمن دست کشیدن از تلاش برای ایجاد یک تعادل نظامی و استراتژیک با آمریکا در خاورمیانه است. شوروی به‌سوریه فهمانده است که دیگر نمی‌تواند از هدف حافظ‌اسد مبنی بر دستیابی به ''توازن استراتژیک'' با اسرائیل از طریق انباشتن اسلحه حمایت کند. تحریم اسرائیل از جانب شوروی که در سال ۱۹۶۷ آغاز شد، بدون اینکه علل این تحریم از میان برود، پایان یافت. شوروی از پایان ۱۹۸۹ بدین سو به

بقیه در صفحه ۸

دولت آلبانی استعفا داد

دولت فاتوس نانو نخست وزیر آلبانی تنها ۲۶ روز پس از آنکه بدنبال پیروزی حزب حاکم کار آلبانی در انتخابات این کشور روی کار آمد، استعفا داد. استعفای دولت آلبانی بدنبال توافق احزاب این کشور در پارلمان برای تشکیل یک دولت ائتلافی صورت گرفت. نمایندگان پارلمان همچنین توافق کردند ظرف یک سال، انتخابات مجدد برگزار شود.

کناره‌گیری دولت آلبانی پس از اعتصابات سازماندهی شده از سوی اتحادیه‌های کارگری این کشور اعلام شد. اتحادیه‌های کارگری پس از استعفای دولت موافقت کردند که به اعتصاب سراسری خود پایان دهند در این اعتصاب که سه‌هفته به طول انجامید، ۳۵۰ هزار کارگر شرکت کردند. بر اثر اعتصاب، زندگی در آلبانی فلج شد. علاوه بر این، چند صد نفر از کارگران معادن دست به‌اعتصاب غذا زده بودند. آنها نیز به اعتصاب غذای خود پایان دادند.

طبق توافق احزاب آلبانی، اعضای دولت جدید ائتلافی باید برای مدت عضویت خود در دولت، وابستگی خود به احزاب را به‌حالت تعلیق درآورند.

در روز یازدهم فروردین ماه نخستین انتخابات آزاد پارلمان برگزار شد و در آن حزب کار آلبانی دوسوم کرسی‌ها را به‌دست آورد. حزب دمکرات آلبانی که تنها سه‌ماه پیش از آن اعلام موجودیت کرده بود، به ۷۵ کرسی از ۲۵۰ کرسی پارلمان دست یافت.

برای اشتراک نشریه ''کار'' در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمائید.

بهای اشتراک نشریه ''کار''		اروپا	دیگر نقاط
	○ سه ماهه	۳۲ مارک	۳۹ مارک
	○ شش ماهه	۶۲ مارک	۷۶ مارک
	○ یک ساله	۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

KAR
Vol.3 No.10
Wed. 12JUN 1991

کار
ارگان مرکزی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت)

Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
GERMANY

حساب بانکی:
M.ABD
NR-35263011
کد بانک:
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY